



تکوک شیر غران ۱۶

PARSA PASARGADAE

# پارسه یاسارگاد

فصلنامه پایگاه میراث جهانی پارسه یاسارگاد/سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵  
Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

۲	سخن سردبیر
۳	روی خط خبر
۶	لوتوس: حفاری خزانه/گردشگری روستایی/درخت بنه/نقش بر فرش
۱۲	پیشینه: پیشینه مرمت در پاسارگاد
۱۴	یادمان: استادکاران و حفاران باستان شناس پارسه پاسارگاد
۱۶	دریچه: تکوک شیر غران
۱۷	چارسو: آزمایشگاه شناخت مواد/سامانه مدیریت منابع آب
۱۸	گنجینه: چند قطعه از گنجینه موزه تخت جمشید
۱۹	گزارش: مرمت خمره / دوره آموزشی در ایتالیا
۲۰	صفحه آخر: سر تندیس لاجورد



بازنگاری پارسه  
PERSEPOLIS,  
SHIRAZ/IRAN/2017 ©  
Rafshin Ariafar  
EPHOTOGRAPHY

Persepolis, photograph, Stolze and Andreas, 1870s. © Victoria and Albert Museum, London



Persepolis, Rephotograph, Afshin Ariafar, 2014. © KUB.Co,



### یادداشت

دکتر حمید فدایی، مدیر  
پایگاه میراث جهانی پاسارگاد

## «روح میراث فرهنگی از جنس هویت بخشی و عبرت آموزی است»

در میراث فرهنگی اگرچه صورت همیشه مادی است اما جوهر آن ریشه در مفاهیم و معانی دارد. روند خلاقانه حفاظت و مرمت آثار همواره از مفاهیم و ارزش‌هایی بنیادین همچون اصالت و هویت اثر تاریخی تغذیه شده است.

ادراک و شناخت این مفاهیم فقط موضوع حفاظت را سمت و جهت نمی بخشد بلکه آنرا دگرگون و منقلب نیز می کند. از این رو حفاظت تبدیل به دانشی می شود از جنس دانایی. در نگاه کلی آنچه انتظار می رود این است که حصول شناخت، تصمیم سازی را در حیطه حفاظت سهل و آسان گرداند اما به واقع آنرا با چالش‌ها و پیچیدگی‌های مفهومی بسیاری مواجه می سازد. مبانی فکری دانش حفاظت در عصر حاضر برآمده از همین پیچیدگی هاست.

از زاویه و منظری دیگر، اما حفاظت فقط نتیجه نهایی شناخت نیست؛ در واقع معادله شناخت-حفاظت یک معادله دو سویه است. به بیانی ساده تر شناخت به دست می آوریم تا بتوانیم کالبد آثار را با مفاهیم آن حفاظت کنیم و از دیگر سو حفاظت نیز خود محملی می شود برای کمک بیشتر به شناخت اثر در بستر زمان. این خود با روح میراث فرهنگی که از جنس عبرت آموزی و هویت بخشی است سازگاری دارد.

تأثیرات رکود بخش‌های کم درآمد و صنایع وابسته به آن جلوگیری کنند. کشورهایی از این دست توانستند زمان را در دست بگیرند و جایی که سود فعالیت‌های دیگر بخش‌های اقتصادی شان در حال کاهش بود گردشگری را به عنوان یکی از منابع درآمد و ایجاد اشتغال جایگزین کنند.

در نگاه خرد به جریان توسعه گردشگری ذکر این مطلب شاید به تنهایی گویای نقشی باشد که این صنعت راهبردی می تواند برای توسعه یک کشور ایفا کند. وقتی یک گردشگر، به منطقه ای توریستی وارد می‌شود، الزاماً باید هزینه‌هایی را در آن جا بپردازد. مثل هزینه غذا و هزینه محل اقامت، هتل، مهمانخانه، هزینه تفریحات، هزینه حمل و نقل، هزینه گشتها، تورها، و همچنین پولی که بابت خرید سوغاتی و کالای بومی منطقه میزبان، می‌پردازد، این هزینه‌ها از طریق ارزی که وارد منطقه میزبان گردیده باعث رونق اقتصادی می‌شود، از این روست که به گردشگری صادرات نامرئی هم می‌گویند.

قابلیت‌های این صنعت؛ به شرط بکارگیری سیاست‌های صحیح و الگوپذیری از طرح‌های موفق، می‌تواند در مقاصد نوپا ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و انتظارات گردشگران، تقویت و تأمین اقتصادی مردم محلی را به همراه داشته و اشاعه‌دهنده‌ی هویت فرهنگی آن منطقه باشد که این امر به شکل زنجیره وار، تبعات مثبت زود هنگامی را برای جامعه مقصد به همراه خواهد داشت.



### سخن سردبیر

مهندس مسعود رضایی منفرد  
مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

## صنعت گردشگری یا «صادرات نامرئی»

در عصر پیشرفت علم و فن آوری در قرن بیست و یکم، موتور زیر ساخت‌های فناوری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جهان نیز با دور بسیار تندی به چرخش درآمده تا دریچه‌ی دیگری از این جهان هستی را پیش روی انسان بگشاید. فضای فکری نامحدود بشر که او را به رفتارها و اعمال فراتر از محدوده مکان و زمان سوق می‌دهد، واقعیتی است اجتناب ناپذیر که در قرن حاضر به وضوح قابل مشاهده است. یکی از این واقعیات که موازی با نیاز بشر به وجود آمده و روز به روز در حال گسترش است پدیده گردشگری است. پدیده‌ای که توجه به آن در برخی از کشورها رویکردی منحصراً به فرد را از آن خود کرده است و به یک صنعت موفق تبدیل گردیده است. آنچه که امروزه مشهود است رقابت کشورها در جذب توریست و توسعه گردشگری است و این از آنجایی است که سفر به عنوان یکی از جاذبه‌ها و روح کنجکاوانه بشر دیرپوز و نیاز بشر امروز، مورد واكوی قرار گرفته، به گونه‌ای که اکنون، ملزومات زندگی در قرن بیست و یکم، گزینه سفر را نیز در بر گرفته است.



پدیده سفر به دیگر نقاط دنیا پیشینه‌ای بس طولانی دارد؛ اما آنچه که اهمیت دارد این است که سفر و گردشگری در دنیای امروز توانسته است به یک جریان درآمد زا تبدیل شود. صنعت توریسم که اقتصاد دانان آن را «صادرات نامرئی» می‌نامند، گوی سبقت را از دیگر صنایع و منابع درآمد زای جهان روده و به سرعت در حال گسترش است. حال این سؤال مطرح است که آیا می‌توان از این رهیافت که در شرایط کنونی بر اقتصاد جهانی تأثیر گذار است بهره مند شد؟

بسیاری از مناطق نمونه و مطرح گردشگری، در ابتدای امر و هنگامی که با بحران اقتصادی مواجه شده‌اند، سعی و توان خود را بر رونق گردشگری متمرکز کرده‌اند تا از این طریق از





## روی خط خبر

## محوطه سازی ورودی تخت جمشید

مدیر پایگاه تخت جمشید ادامه داد: پروژه اول شامل سامان دهی محور ورودی و اختصاصی تخت جمشید و با هدف تسطیح و فضا سازی این محور به مساحت ۹۰۰ متر به اجرا درآمد که در این طرح سه مسیر پیاده رو، مسیر دوچرخه سواری و فضای سبز تعریف شده و اساس کار خشکه چینی با بتن پیش ساخته است.

رضایی منفرد تصریح کرد: این پروژه در فاز اول به صورت پایلوت طراحی، ارائه و اجرا گردید که در مراحل بعد مطابق با چگونگی نظر شورای راهبردی سازمان میراث فرهنگی و پایگاه میراث جهانی پارسیه- پاسارگاد، تمامی طول مسیر ورودی تخت جمشید را در بر خواهد گرفت.

وی در ادامه افزود: پروژه دوم این طرح، محوطه سازی فضای تردد گردشگران است که پس از کیت ورودی تخت جمشید و قبل از ورود به سایت قرار دارد و به عنوان فضای انتظار گردشگر تعریف شده است. این پروژه عملیاتی با مساحت ۶۰۰۰ متر مربع انجام گردید تا فضایی در خور گردشگران مجموعه جهانی تخت جمشید ارائه گردد.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید گفت: برای سال ۹۶ طرح های عمرانی و سامان دهی متنوعی در دست بررسی است که انتظار می رود اجرایی شدن این طرح ها بتواند تخت جمشید را در ایجاد زیرساخت های مناسب با هدف مرتفع ساختن نیازمندی های سایت تخت جمشید و بازدید کنندگان آن، گامی رو به جلو برد.



مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید گفت:

### طرح پایلوت محوطه سازی ورودی تخت جمشید، با اعتبار نزدیک به ۴.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به بهره برداری رسید.

به گزارش روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، مسعود رضایی منفرد گفت: پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و دفتر فنی این پایگاه، برای زیبا سازی، عمران و سامان دهی مسیر ورودی تخت جمشید و محوطه های پیرامون، برنامه ریزی هایی را با حفظ ضوابط حریم میراث جهانی و نظرات کارشناسی شورای راهبردی پایگاه تخت جمشید انجام داده است که طرح پایلوت محوطه سازی ورودی تخت جمشید، در قالب دو پروژه ی عمرانی، به منظور سامان دهی و زیبا سازی ورودی تخت جمشید، با اعتبار نزدیک به ۴.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به بهره برداری رسید.

به گفته وی؛ یکی از برنامه ها و اولویت های شورای راهبردی، زیبا سازی و سامان دهی ورودی تخت جمشید است که فاز اول آن در قالب دو پروژه مجزا، از اوایل اسفند ماه آغاز و در آستانه نوروز ۹۶ به بهره برداری خواهد رسید.

### برگزاری هفته فرهنگی ویتنام در کنار آثار جهانی تخت جمشید

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در ابتدای مراسم به مهمانان و گردشگران داخلی و خارجی خوشامد گفت و اظهار داشت؛ شما در مکانی حضور دارید که بخشی از تمدن کهن و دیرینه ی کشور پهلوان ایران را روایت می کند و نقوش حکاکی شده بر پیکره این بنای با شکوه و کتیبه های آن حکایت از ارتباط دیرینه ایران با دیگر ملل دنیا دارد.

مسعود رضایی منفرد از تخت جمشید به عنوان یکی از نمادهای فرهنگ و تمدن ایران باستان یاد کرد و افزود: این آثار، بخشی از تمدن ایران باستان است که ۲۵۰۰ سال پیش از این مکان پیام صلح و دوستی ایرانیان به نقاط مختلف دنیا مخابره شده است.

در بخش دیگری از این مراسم "نجیب زاده" فرماندار شهرستان مرودشت نیز ضمن ابراز خرسندی از حضور مهمانان و شرکت کنندگان هفته فرهنگی ویتنام در شهرستان مرودشت و در کنار آثار باستانی تخت جمشید، مرودشت را به دلیل دارا بودن آثار تاریخی فراوان و جاذبه های طبیعی؛ کم نظیر توصیف کرد و ابراز امیدواری کرد که گردشگران کشور ویتنام نیز مقصد اول گردشگری شان، کشور ایران و آثار باستانی تخت جمشید و دیگر جاذبه های شهر مرودشت باشد.

سخنران دیگر این مراسم "نگوین هونگ تک" سفیر کشور ویتنام در ایران بود که وی نیز با ابراز خرسندی از میزبانی کشور ایران در برگزاری هفته نکوداشت ویتنام و با تأکید بر اهمیت موضوعات فرهنگی گفت: رویدادهای فرهنگی بین دو کشور می تواند زمینه را برای همکاری بیشتر در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراهم کند.

جشنواره غذاهای بومی محلی منطقه مرودشت، اجرای موسیقی سنتی، پخش مستندی از ویتنام و اجرای آیین های موسیقایی کشور ویتنام، از برنامه های ویژه این آیین بود که مورد استقبال و بازدید مقامات ایرانی و ویتنامی و همچنین گردشگران داخلی و خارجی قرار گرفت.



به گزارش روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، هفته فرهنگی ویتنام در ایران که شبیه شب چهارم دی ماه در آستانه سالروز ولادت حضرت عیسی مسیح (ع) کار خود را در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر تهران آغاز کرده بود، ششم آبان ماه ۹۵ آیین سومین روز از این هفته با مشارکت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، شهرداری مرودشت، پژوهشگاه شاخص پژوه، سفارت ویتنام در ایران، انجمن زنان بازرگان ایران و شبکه انجمن های دوستی ایران با سایر کشورها در کنار آثار باستانی تخت جمشید برگزار شد.

### نشست میراث فرهنگی و پسا انقلاب



### برگزاری نشست میراث فرهنگی و پسا انقلاب با محوریت حفظ و نگاهداشت آثار تاریخی دشت مرودشت و حوزه تخت جمشید

این نشست همزمان با ایام دهه پر فروغ فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سالن اجتماعات مجموعه تخت جمشید برگزار گردید

به گزارش روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، در این نشست از آیت اله سید محمود موسوی نژاد رئیس حوزه علمیه امام صادق (ع) مرودشت که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیت سازمان های مردم نهاد و کمیته انقلاب اسلامی را در شهرستان مرودشت عهده دار بود و نقش بسیار زیادی را در آن زمان نسبت به حفظ آثار میراث فرهنگی در برابر هر گونه تخریب و یا دستبرد و سوء استفاده افراد سود جو ایفا کرده بود، به عنوان سخنران اصلی مراسم دعوت به عمل آمد.

همچنین در این مراسم از آقای عباسعلی بردبار موزه دار و گنجینه دار بازنشسته و از اعضای فعال بسیج میراث فرهنگی تخت جمشید که در اوایل انقلاب طبق حکم آیت اله موسوی نژاد مسئول سامان دهی گنجینه تخت جمشید و اشیاء بدون شناسنامه گردیده بود، تقدیر بعمل آمد.

گفتنی است این مراسم با همکاری پایگاه مقاومت بسیج میراث فرهنگی تخت جمشید برگزار گردید.

## روی خط خبر

روز بیستم اسفندماه به عنوان روز پاکسازی محوطه پایگاه های میراث جهانی و میراث فرهنگی از سوی دفتر امور پایگاهها، همزمان با سراسر اماکن تاریخی کشور، در تخت جمشید برگزار شد.

بیش از ۱۵۰ نفر از قشرهای مختلف مردم، جامعه محلی، سمن ها و هنرمندان با حضور در این برنامه، نسبت به پاکسازی محور ورودی تخت جمشید، بوستان پردیس و محوطه میراث جهانی تخت جمشید مشارکت کردند.

مسعود رضایی منفرد مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در پایان مراسم با تأکید بر تقویت مشارکت های عمومی و اهمیت جذب مشارکت مردمی در امور مربوط به پایگاه ها و فرهنگ سازی لازم در ترغیب جامعه محلی، انجمن های مردم نهاد، سمن ها و بخش خصوصی در تعاملات مربوط به حفاظت و نگهداری خودجوش آثار ارزشمند جهانی و ملی گفت: بهره گیری از ظرفیت های تشکلی های غیردولتی از اولویت های سازمان میراث فرهنگی است و ما نیز در این زمینه تلاش خواهیم کرد که با تعامل بیشتری وارد شویم. وی سال ۹۶ را سال پرکار پروژه های عمرانی برای تخت جمشید توصیف کرد و ساماندهی محور ورودی تخت جمشید را از اولویت کارها برشمرد.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید از همه شرکت کنندگان در مراسم روز پاکسازی محوطه میراث جهانی تخت جمشید سپاسگزاری کرد و افزود: پارسه متعلق به همه مردم و میراث و داشته ی آنان است و همین مشارکت پر شور و فعال گروه های مختلف مردمی در برگزاری روز پاکسازی محوطه پایگاههای میراث جهانی و میراث فرهنگی در تخت جمشید، نشان داد فرهنگ حفظ و پاکیزه نگاه داشتن اماکن تاریخی رو به نهادینه شدن است که این امر پسندیده، ستودنی است.

شرکت کنندگان در پایان لوح نامگذاری بیستم اسفندماه به عنوان روز پاکسازی محوطه های میراث جهانی و میراث فرهنگی را امضاء و پیام های خود را در آن ثبت کردند. گفتنی است مشابه همین مراسم نیز در مجموعه تاریخی پاسارگاد برگزار گردید

## روز پاکسازی محوطه پایگاه های میراث جهانی و میراث فرهنگی



### نامگذاری بیستم اسفندماه به عنوان روز پاکسازی محوطه پایگاه های میراث جهانی و میراث فرهنگی از سوی دفتر امور پایگاهها

تخت جمشید، جمعه ۲۰ اسفندماه میزبان تعدادی از دوستداران میراث فرهنگی، فعالان حوزه میراث فرهنگی- گردشگری، هنرمندان دانشجویان و برخی از مسئولان محلی بود تا به رسم سنت خانه تکانی ایرانی در یک برنامه منسجم گروهی، چهره پارسه را از زباله پاک کنند.

به گزارش روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، این برنامه به دنبال نامگذاری

مسئول یگان حفاظت میراث فرهنگی پاسارگاد در اینباره توضیح داد: با توجه به فراوانی و پراکندگی آثار مختلف در سطح شهرستان و نیاز به بازدید مستمر و اطلاع رسانی به مردم محلی در این زمینه، نصب تابلوهای ثبتی برای معرفی بهتر و جامع تر کلیه آثار ثبتی شهرستان گامی مؤثر در حفاظت بهتر از آثار این منطقه است. اسماعیل بهروزی در ادامه بیان کرد: در سه ماهه چهارم سال ۹۵ چندین مورد حفاری غیرمجاز و تجاوز به حریم آثار تاریخی انجام شد، که افراد متخلف در این زمینه دستگیر و تحویل مراجع ذیربط گردید و گزارش آن به یگان حفاظت میراث فرهنگی فارس ارسال گردید.

به گفته وی؛ نمونه بارز عملیات یگان حفاظت در سه ماهه آخر سال ۹۵، کشف و انهدام دو باند حفاری غیر مجاز و تحویل آنان به مراجع قضایی و همچنین کشف دستگاه های فلزیاب بوده است، که این مهم با تعامل مؤثر یگان حفاظت میراث فرهنگی و مجموعه جهانی پاسارگاد با نیروی انتظامی و دادستانی محترم شهرستان پاسارگاد انجام گردید.

این مقام مسئول افزود: حفاظت و حراست از آثار تاریخی شهرستان پاسارگاد دارای اهمیت فراوان می باشد و ابراز امیدواری کرد با برنامه ریزی مناسب، بهره مندی از اقدامات حفاظتی نوین و تجهیز بیش از پیش ساختار این تشکیلات، بتوان اقدامات فراوان و مؤثرتری در راستای حفاظت از این آثار مهم انجام داد.



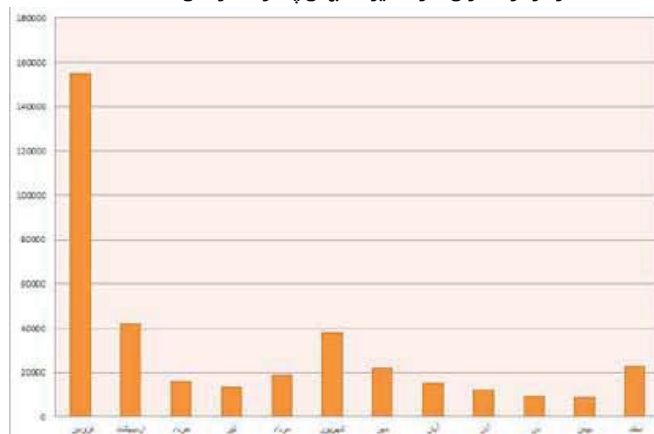
## حفاظت مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

### ۱۰۰ مورد مأموریت عملیاتی و بازدید در سه ماهه آخر سال ۹۵ از سوی یگان حفاظت مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

با توجه به وجود ۱۱۳ اثر تاریخی ثبت شده در منطقه پاسارگاد، شامل تپه ها و بناهای تاریخی، بی گمان این آثار نیاز به بازدید مستمر دارد که این مهم توسط یگان حفاظت میراث فرهنگی پاسارگاد انجام می گردد. بنا بر گزارش نشریه پارسه- پاسارگاد؛ یگان حفاظت میراث فرهنگی شهرستان پاسارگاد در سه ماهه آخر سال ۹۵ بیش از صد مورد مأموریت عملیاتی و بازدید از مناطق مختلف شهرستان را داشته است که رعایت سلسله مراتب حفظ و صیانت از حریم منطقه از سوی نیروهای یگان حفاظت و با هماهنگی کارشناسان مربوطه پیگیری و در صورت تخلف برخورد گردیده است.

## دو میلیون نفر گردشگر ایرانی و خارجی در سال ۱۳۹۵ از مجموعه هخامنشی پارسه پاسارگاد بازدید کردند.

نمودار گردشگران محوطه میراث جهانی پاسارگاد در سال ۱۳۹۵



نمودار گردشگران محوطه میراث جهانی تخت جمشید در سال ۱۳۹۵





## روی خط خبر

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد در این باره گفت: برنامه ریزی نشست رم با همکاری مؤسسه عالی حفاظت و مرمت (ISCR) انجام شد. خانم "جیزلا کاپونی" رئیس مؤسسه، جناب آقای "جمشیدی" معاون رایزن فرهنگی سفارت ایران در رم، آقای "استفانو دی کارو" مدیرکل ایکروم، آقای پروفیسور "آدریانو روسی"، مدیر مؤسسه ایزمئو، دکتر "یوگا یوکیلتو" مشاور مدیر کل ایکروم و جمعی از محققین و پژوهشگران مؤسسه عالی حفاظت و مرمت رم از جمله حاضرین جلسه بودند و سخنانی کوتاه از سوی هر یک از ایشان ایراد گردید.

به گفته ی حمید فدایی؛ در طول برنامه پیام رایزن محترم فرهنگی ایران در ایتالیا از سوی معاون وی قرائت گردید. همچنین خانم دکتر جیزلا کاپونی مدیر مؤسسه عالی



## کنفرانس مروری بر سه سال همکاری مشترک

**برگزاری کنفرانس مروری بر سه سال همکاری مشترک ایران - ایتالیا در رم در روز ۵ بهمن ماه ۱۳۹۵ (۲۴ ژانویه ۲۰۱۷) و در حاشیه برگزاری دوره های آموزشی در رم، نشست علمی با محوریت دستاوردهای سه سال فعالیت مشترک ایران - ایتالیا در حفاظت از محوطه پاسارگاد، برگزار گردید.**

پیش از این در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۹۵ نشست مشابهی در موزه ملی ایران برگزار شده بود که کارنامه کوتاهی از سه سال همکاری هیات با حضور معاون محترم میراث فرهنگی کشور و سفیر محترم ایتالیا در ایران ارائه شده بود.



حفاظت و مرمت رم ضمن ابراز خشنودی از همکاری متقابل با هیات ایرانی، از تمامی کسانی که در پیشبرد پروژه مشترک تلاش کرده اند تقدیر نمود.

بنا بر این گزارش، در ادامه ی برگزاری کنفرانس، گزارشی کوتاه توسط آقایان "کلودیو پروسپری پورتا" و "حمید فدایی" به عنوان مسئولین هیات مشترک حفاظتی در پاسارگاد ارائه گردید. همچنین "کلودیو پروسپری پورتا" معمار و متخصص حفاظت با عنوان سخنرانی "اصول اساسی اجرای پوشش حفاظتی"، "جوزپا ماریا فازیو" مسئول مرمت با عنوان سخنرانی "حفاظت از سنگ در سایت پاسارگاد"، "الیزابتا جانی" فیزیک دان با عنوان سخنرانی "پایش زیست محیطی محوطه پاسارگاد" و "حمید فدایی و مسعود رضایی منفرد" با عنوان سخنرانی "پلان مدیریت پارسیه - پاسارگاد"، "ماریا لاپریولا" با عنوان سخنرانی "مرمت کاخ اختصاصی کوروش در پاسارگاد"، "سید محمد حسینی و مریم راهساز" با عنوان سخنرانی: "مرمت در پاسارگاد" از روند مرمت و محافظت این پایگاه و "فرزانه گرامی و یاکوپو روسی" با عنوان سخنرانی "طراحی سیستم اطلاعات و دیتابک پایگاه میراث جهانی پاسارگاد" گزارش هایی را ارائه کردند.



حمید فدایی خاطر نشان کرد: در این فصل از فعالیت ها حدود ۳۴ هکتار از محوطه پاسارگاد مورد بررسی آرکتئولوژیکی به روش مغناطیس سنجی و الکترومغناطیسی قرار گرفت که نتایج اولیه این بررسی ها ساختارهای مسکونی بسیاری را در قسمت شمالی محوطه آشکار نمود.

به گفته وی؛ تمرکز این فصل از بررسی های مغناطیس سنجی در جنوب، غرب و شرق تل تخت بود که در این بررسی ها ساختارهای منظمی کشف گردید که با توجه به اندازه آنها، انتظار می رود مربوط به بناهای مسکونی در این قسمت باشد.

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد همچنین در اینبار اظهار داشت: زمان و دوره این بناها را نمی توان تشخیص داد و برای تعیین قدمت آنها نیاز به گمانه زنی باستان شناسی و مطالعات آرکتئومتری داریم. همچنین در قسمت باغ سلطنتی، کانال های سنگی و ساختارهایی از دوره هخامنشی آشکار سازی گردید و نقشه مغناطیسی این قسمت از محوطه تکمیل شد.

فدایی در ادامه گفت: برای تعیین حدود شهر باستانی پاسارگاد و برای مقایسه دو روش، در داخل محوطه فنس کشی شده و در خارج از فنس ها در قسمت شرقی از روش الکترومغناطیس استفاده گردید. نتایج اولیه ساختارهایی را مشخص نموده که بسیار جالب توجه است. ولی این روش نسبت به روش مغناطیس سنجی، نیاز به پردازش بیشتر داده ها و فیلتر کردن آنها دارد.

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد در پایان افزود: بررسی های آرکتئولوژیکی در محوطه میراث جهانی پاسارگاد از سال ۱۳۷۸ به سرپرستی دکتر رمی بوشارلا آغاز شده است. در دور دوم تفاهم نامه مشترک میان دانشگاه لیون ۲ فرانسه و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور سرپرستی پژوهش ها به عهده دکتر کورش محمدخانی از دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتر سیاستین گندت از مرکز ملی پژوهشهای علمی فرانسه، دانشگاه لیون ۲ است. این تفاهم نامه پنج ساله از سال ۱۳۹۴ آغاز شده و تا سال ۱۳۹۹ ادامه خواهد داشت.



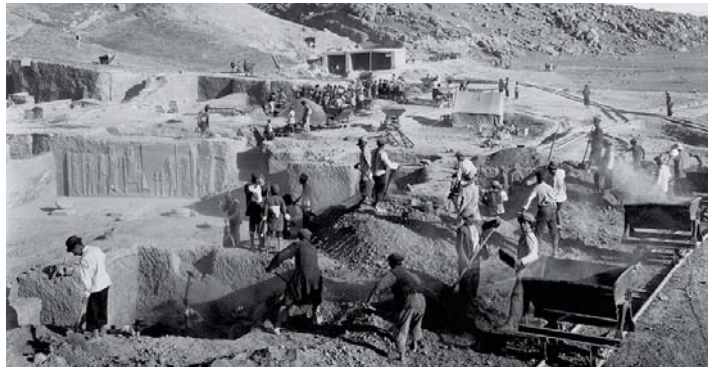
## بررسی های آرکتئولوژیکی سال ۱۳۹۵ در پاسارگاد

**۳۴ هکتار از محوطه پاسارگاد مورد بررسی آرکتئولوژیکی به روش مغناطیس سنجی و الکترومغناطیسی قرار گرفت که نتایج اولیه این بررسی ها، ساختارهای مسکونی بسیاری را در قسمت شمالی محوطه آشکار نمود.**

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد با اعلام این خبر افزود: در این فصل از پژوهش ها، همانند گذشته از روش مغناطیس سنجی و یک روش جدید الکترو مغناطیس در پاسارگاد استفاده گردید. روش مغناطیس سنجی توسط دستگاه گرادومتر روبیدیم - سزیم و روش الکترومغناطیس توسط دستگاه GM2 انجام شد.

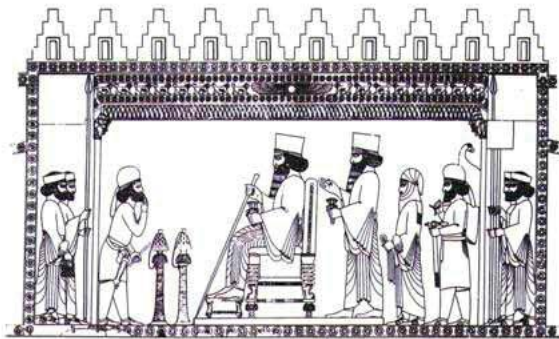
## لوتوس

جامه ایستاده است و مثل او نیلوفر آبی به دست دارد. اما دست راستش را با کف باز پیش آورده و به علامت احترام به مقام فرمانروا نگه داشته است. این شخص مقامی پایین تر از اولی ولی بالاتر از بقیه افراد دارد. زیرا وی را طوری نشان داده اند که از دیگران بسیار بلندتر است ولی با همه بلندی هم قد شخص اورنگ نشین است. به همین جهت و به دلیل تاج و ریشش او را ولیعهد دانسته اند. پشت سر وی دو نفر دیگر ایستاده اند یکی در جامه پارسی اما با سربند بلندی مانند شال که تا خورده و دور گردنش می پیچد و زیر چانه و روی گونه و گوشها را می پوشاند. وی بر خلاف دیگران سیل ندارد و به همین جهت او را از خواجگان درباری به شمار باید آورد. نفر بعدی جامه ی مادی پوشیده و در دستی کمانداری دارد و ترکشی به پشت انداخته است و با دستی دیگر تبریزی را گرفته است. پشت سر این مرد، دو سرباز در جامه پارسی ولی با کلاه کوتاه ساده و استوانه ای ایستاده است. در جلوی فرمانروا یک جفت بخور سوز مخروطی برای خارج شدن بوی خوش قرار دارد. پشت این بخور سوزها و روبروی فرمانروا مردی در جامه مادی نقش شده است که بالاتنه را کمی به جلو خم کرده، این مرد به دست چپ عصایی دارد که درست مانند عصای پرده دارانی است که گروههای هدیه اور را به پیشگاه پادشاه رهنمون می شوند و از این جهت وی را برخی بارسالار و یا رئیس تشریفات دانسته اند. پشت سر او مرد در جامه پارسی با کلاه کوتاه استوانه ای ایستاده اند که یکی بخوردانی به دست گرفته است و دیگری



## حفاری خزانه، یافتن نقش برجسته ی مجلس بارعام

یکی از زیباترین و سالم ترین نقوشی که از عهد هخامنشی باقی مانده، نقش بارعام است. در دهه ۱۳۱۰ شمسی بود که "دکتر ازیک اشمیت رئیس هیئت علمی تخت جمشید و مأمور مؤسسه شرق شناسی شیکاگو" دو نمونه از یک سنگ مصور را در گنج خانه (خزانه) تخت جمشید، از قسمت شمال شرق کاخ خزانه در حیاط اداری قسمت مرکزی خزانه داریوش در تخت جمشید کشف کرد که از هر نظر مشابه یکدیگر ولی قرینه هم بودند. این دو نقش مصور به صحنه بارعام شاهی شهرت یافته اند و در یکی از آنها نیمرخ راست شاه و در دیگری نیمرخ چپ او نمایان است. شرح این کاوش را اشمیت در کتاب "پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران" اینچنین نوشته است: <<... کارگران برای پیشبرد کاوش در مربع های سخت و خشن محوطه به پیش می روند. واگن های زباله کش با سرعت و با سر و صدا روی ریل های خود خاکروبه را به خارج از محوطه تختگاه حمل می کنند. طنبن کلنگ ها و بیل ها، خنده و تند تند حرف زدن اعضاء گروه و فریاد باباخان(سرکارگر) هوا را پر کرده است. در حیاط خزانه تخت جمشید یکی از نقش برجسته های داریوش بزرگ به تازگی کشف شده که روی تخت خود نشسته، پسر و جانشینش خشایارشا پشت سر اوست. یک مادی عالی مقام درباری در مقابل داریوش به حالت احترام ایستاده است. مقامات رسمی و دربار که در میان آن حاملین تبریزین و کمان سلطنتی و محافظین وجود دارند، گریابی صحنه را کامل می کنند... >>



نیزه. این نقش برجسته بی گمان آغاز بارعام را نشان می دهد.

تا مدتی همه به پیروی از اشمیت، تاجدار اورنگ نشین را داریوش و تاجدار ایستاده را ولیعهدش-خشایارشا- می دانستند. اما این عقیده پذیرفتنی نیست. چون داریوش همواره تاج کنگره دار بر سر داشته و این شخص اورنگ نشین تاج ساده ای دارد که بیشتر به تاج خشایارشا شبیه است و بنا بر مفاد برخی کتیبه ها، "ایوان شرقی" آپادانا و پلکانش را خشایارشا ساخته و نه داریوش و ایوان غربی را هم بنا بر کتیبه ی فارسی باستان آن، خشایارشا به اتمام رسانیده است و نه داریوش. اینها و دلایل دیگر می رساند که شاه اورنگ نشین، خشایار شا می باشد و ولیعهدش شاهزاده داریوش است که به شاهی نرسیده، کشته شد. بعدها اردشیر یکم این دو نقش را از جایگاه اصلی خود بیرون آورده، به خزانه سپرده است و به جای آنها نقوشی از سربازان ساخته و کار گذارده است که این نقش اخیر، در جاهایی کامل نشده مانده است.

اشمیت می پنداشت که به دلیل تقریباً یکسان بودن دو اثر، انجمن آثار ملی ایران شاید نقش برجسته ی ناقص را به مؤسسه ی شرق شناسی شیکاگو تحویل دهد. او در سال ۱۹۳۸م. بارها درخواست تحویل این اثر باستانی را کرد اما هر بار، مقامات ایرانی از دادن پاسخ روشن به وی سر باز زدند. در بهار ۱۹۳۹ م. هنگامی که روشن گردید، کار حفاری تخت جمشید به زودی تعطیل خواهد شد، اشمیت به "انگرت"، کاردار سفارت آمریکا متوسل گردید تا در گرفتن نقش برجسته یاد شده برای مؤسسه به وی کمک کند. سرانجام، انگرت در ۱۹ شهریور ۱۳۱۸ شمسی با فرستادن یادداشتی به وزیر امور خارجه ایران، "مظفر اعلم"، از وی پرسید آیا دولت ایران قصد ندارد نقش برجسته ی ناقص را برای نمایش در آمریکا، به مؤسسه شرق شناسی تحویل دهد؟ اعلم در نامه ای به تاریخ ۲۵ سپتامبر، اظهار می کند: <<... که سیاست دولت بر حفظ و نگهداری کلیه اشیاء باستانی کشف شده در موزه است. به رغم اشتیاق وافر مقامات برای کمک به مؤسسه شرق شناسی متأسفانه قادر به قبول تقاضای مؤسسه مزبور نیستیم...>>

سرانجام طی امریه ی وزیر معارف و اوقاف وقت به شماره ۳۷۸۵۴/۵۵۲۵۳ به تاریخ ۲۱/۱۲/۱۳۱۶، به محمد تقی مصطفوی، معاون اداره کل باستان شناسی، مأموریت داده می شود که این نقش برجسته را، که یکی از مهمترین یافته های اشمیت بود، همراه با دیگر اشیای یافت شده به تهران بفرستد تا در موزه ملی به نمایش گذاشته شود.(برگرفته از کتاب راهنمای مستند تخت جمشید- و تخت جمشید در تاریخ معاصر)

روابط عمومی مجموعه جهانی تخت جمشید



خزانه شاهی از خشت خام و چوب ساخته شده بود و فقط ستونها از سنگ بود. پس از اینکه سربازان اسکندر آنرا غارت کردند کاخ را به آتش کشیدند. خاک نرم، روی این نقوش را پوشاند و بعدها سیل و باران از بالای کوه رحمت روی آنرا طوری صاف کرده بود که کسی گمان نمی برد زیر آن ممکن است قطعه سنگی باشد. به همین دلیل این نقش برجسته ها، نسبتاً سالم مانده است.

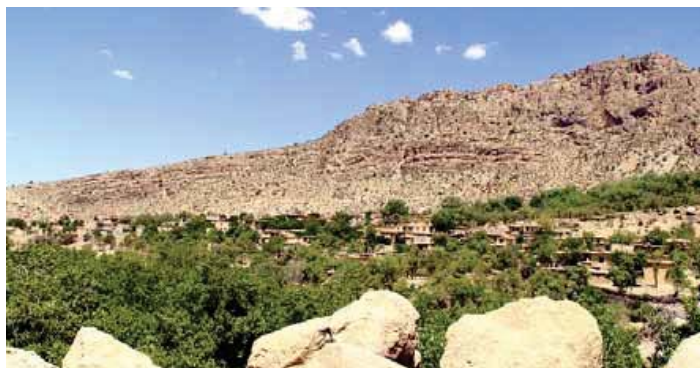
پاره ای از ملاحظات و نکات فنی گویای آن است که در اصل این دو نقش برجسته می بایست متعلق به کاخ آپادانا باشند که در ایوانهای شرقی و شمالی کاخ قرار داشتند. احتمالاً اردشیر یکم این دو نقش را از جایگاه اصلی خود بیرون آورده و به خزانه سپرده و به جای آنها نقوشی از سربازان پرداخته و کار گذارده است. امروزه، نقوش بارعام یکی در موزه ملی ایران و دیگری در کاخ خزانه تخت جمشید می باشند.

در توصیف آنچه که بارعام شاهی را روایت می کند چنین آمده است: در وسط صحنه پادشاه بر تخت فرمانروایی نشسته است. تاج فرمانروا کلاه استوانه ای بلند و ساده ای است که اصلاً دندانده ندارد. این تاج و دلایل دیگر می رساند که شاه اورنگ نشین خشایارشا می باشد و ولیعهدش شاهزاده داریوش دوم است که به شاهی نرسیده، کشته شد. جامه پادشاه پیراهن فرا آستین و چین دار، شلوار گشاد و پرچین و شکن و نیم چکمه پارسی است. پادشاه در دست راست، چوبدست یا عصای بلند شاهی را گرفته و در دست چپ یک گل نیلوفر آبی دارد. پشت سر شاه با همان ریش و تاج و



## لوتوس

## گردشگری روستایی



## کندازی: روستای هدف گردشگری مرودشت

نام این روستا برگرفته از واژه کیان کزین است در گذشته پادشاهان دوران باستان از این مکان به دلیل سرسبزی و خوش آب و هوایی به عنوان استراحت گاه استفاده می کردند . در ایران تنها یک آبادی به این نام وجود دارد.

کندازی یکی از روستا های بخش درودزن شهرستان مرودشت است که در ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۱۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است .

این آبادی در امتداد دره ای سرسبز و بلندای کوه در شمال دهستان ابرج و در ۵ کیلومتری و شمال تفرج گاه معروف تیره باغ قرار دارد که روند جمعیت آن در سال های اخیر به دلیل مهاجرت به شهر مرودشت رو به کاهش نهاده است. اغلب مردم این روستا علاوه بر باغداری و دامداری ، به کشاورزی در روستا های همجوار ( کاشت گوجه فرنگی ) می پردازند ضمناً تعداد محدودی از اهالی این روستا در ایام تابستان به جمع آوری کتیرا که کاری بس دشوار است می پردازند .



روستای جالب و تفریحی کندازی که با قدمت بیش از ۳هزار سال و داشتن چشمه های روان و قنات که آب آشامیدنی این روستا را تأمین می نماید و همچنین باغ های انار و گردو و بادام را آبیاری می نماید، در سال ۱۳۷۲ با کوچ نمودن سر ریز جمعیت ( جوانانی که نیاز به ساخت محل سکونت داشتند ) و با ساخت منازل مسکونی در ۶ کیلومتری کوه پایه به دو قسمت سفلی و علیا تقسیم گردید . هم اکنون کمتر از ۲۰۰ خانوار در بالای کوه مشغول زندگی می باشند .

گویش مردم این روستا، دارای پاره ای از واژه های کهن پارسی است. در رده بندی زبان ها و گویش های ایرانی، «کندازی» از زبان ها و گویش های جنوب غربی محسوب می شود. برگرفته از وبلاگ کندازی ابرج



گردشگری روستایی شامل تمام فعالیت های گردشگری در محیط روستایی با توجه به بافت سنتی و فرهنگی روستایی، هنرهای سنتی و صنایع دستی، آداب و رسوم سنتی و غذاها است که روز به روز بر طرفداران این نوع گردشگری افزوده می شود.

شهرستان مرودشت با داشتن طبیعت منحصر به فرد و آبادی های تاریخی و بکر، می تواند یکی از مقاصد اصلی گردشگران داخلی و خارجی باشد که البته این مهم بیانگر لزوم ایجاد افق های جدید برای گردشگران در این شهرستان است.

گردشگری روستایی جنبه های مختلفی دارد که یکی از جنبه های آن تعیین روستاهایی به عنوان روستاهای هدف گردشگری برای توسعه گردشگری پایدار در هر منطقه است.

در چند سال اخیر سازمان میراث فرهنگی با هدف توسعه گردشگری روستایی، روستاهایی در کشورمان که قابلیت های ویژه ای برای جذب گردشگر و معرفی فرهنگ بومی داشته اند انتخاب و به عنوان روستاهای هدف گردشگری معرفی کرده است که در این میان مرودشت با برخورداری از روستاهای بکر و تاریخی، از مناطق بالقوه و مستعد در این زمینه است.

آنچه از روستای هدف گردشگری به ذهن می آید، غلبه عناصر طبیعی بر دیگر عناصر در مقوله گردشگری است و می توان گفت روستاهای هدف گردشگری، تاریخ و تمدن، فرهنگ و هنر و طبیعت را در معرض دید گردشگران قرار می دهند. از جمله روستاهایی که در شهرستان مرودشت به عنوان روستای هدف گردشگری تعیین شده است، روستای کندازی است





## لوتوس

نامیده می شود. سقز صمغی به رنگ سبز خیلی روشن، غلیظ و بسیار چسبنده است که استفاده دارویی فراوان داشته و به عنوان یک ملین قوی در درمان یبوست و درمان ناراحتی‌های گوارشی استفاده می‌شود. ۲۵ درصد از شیر سقز حاوی روغن پر ارزش و صنعتی ترین است که کاربردهای فراوانی در صنعت دارد. علاوه بر این از شیر سقز در تهیه آدامس، عطر، خوشبوکننده‌ها، حشره کش‌ها، در صنعت داروسازی در تهیه نرم‌کننده‌ها و ضد عفونی کننده‌ها، در صنعت پلاستیک سازی، تهیه واکس کفش و چرم و صنعت چاپ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بعلت نبود صنایع تبدیلی مناسب، اکثر سقز تولیدی در ایران به خارج از کشور صادر گردیده و به عنوان مواد پایه بسیاری از صنایع یاد شده بکار برده می‌شود. درخت بنه از هزاران سال پیش تا کنون همواره مورد استفاده بوده و جایگاه آن در زندگی مردم چشمگیر است. از دیگر کاربردهای اجزای این درخت می‌توان به گل آن اشاره کرد. گل درخت قرمز است و در رنگرزی از آن استفاده می‌شود. درکاوش‌های باستان‌شناسی که در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی در منطقه تنگ بلاغی پاسارگاد انجام شده در چند محوطه از جمله یک محوطه مسکونی و کارگاهی مربوط به دوران پیش از تاریخ، آغاز روستا نشینی (هزاره



## درخت بنه یا پسته وحشی مهم ترین گونه گیاهی منطقه پاسارگاد

حمیدرضا کرمی- کارشناس ارشد باستان شناسی پایگاه پاسارگاد

یکی از گونه های گیاهی ناحیه پاسارگاد درخت بنه یا پسته وحشی با نام علمی *Pistacia Atlantica* است. رشد سالانه درخت بنه در مقایسه با درختان وحشی دیگر کمتر است و در بخش های کوهستانی و دشت های میان کوهی می روید و بلندای آن تا ۱۰ متر نیز می رسد. عمر درخت بنه زیاد است و در ناحیه پاسارگاد درختانی وجود دارد که بیش از ۲۰۰۰ سال را به خود دیده اند. درخت بنه در بخش های مختلفی از جهان همانند ایران، افغانستان، پاکستان، شمال عراق، ارمنستان، آناتولی، سوریه و جنوب استرالیا می روید و در ایران، استان های کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، ایلام، فارس، کرمان، لرستان، سیستان و بلوچستان، همدان، مرکزی، تهران و خراسان، درخت بنه را در خود جای داده اند (مظفریان، ۱۳۸۹).



پنجم پیش از میلاد) دانه های میوه بنه در لایه های باستانی به دست آمد که نشان از اهمیت و استفاده مردمان آن روزگار از درخت بنه دارد. در ناحیه پاسارگاد در تمامی بخش های کوهستانی درخت بنه وجود دارد که بیشترین آنها جنگل های چاه بید، کوه خرسی، تنگ بلاغی، گود بنه و جنگل علی آباد است. شوریختانه در سال های اخیر بخش های گسترده ای از جنگل های پاسارگاد و درختان بنه بر اثر خشکسالی و عوامل انسانی و بی توجهی دچار آتش سوزی شده و از بین رفته است. همچنین بخش گسترده ای از درختان بنه موجود در تنگ بلاغی نیز در جریان ساخت سد سیوند با بی مهری قطع گردید و برای همیشه نابود گردید.



از این روی حفاظت و صیانت از این منابع خدادادی که با سخاوت سفره خود را برای ما گسترانیده، بسیار ضروری و حایز اهمیت است.

برخی خواص درمانی بنه

جهت رفع کم خونی، و مصرف مرتب آن بواسیر را معالجه می کند

استفاده از ضماد سوخته آن برای رویانیدن مو/ترشی بنه باعث پاک کردن

کبد و رفع سردرد

جهت کمردرد و دردهای مفصلی می توان از روغن بنه در محل دردناک

مالید/استفاده از روغن آن برای صاف شدن صدا

مصرف روغن بنه برای درمان یرقان/بنه یکی از منابع غنی از ویتامین E می

باشد/جهت باز شدن رنگ پوست صورت

جوییدن صمغ آن یا سقز مقوی معده بوده با هضم غذا کمک می کند/

مصرف روغن و میوه ی بنه پاک کننده ی اخلاط سینه و ریه

جهت تقویت اعصاب بنه را کوبیده با شکر مخلوط و میل شود/ دفع

سنگهای ریز کلیه



این درخت فواید زیادی دارد که میوه مهمترین آن است و به صورت دانه های گرد است که به صورت خوشه ای بر شاخه های درخت می روید. در ابتدای بهار میوه بنه نرم و ترد با رنگ روشن و مایل به نارنجی است که بِنِجه نامیده می شود از آن برای خوشبو کردن دوغ و روغن حیوانی و درست کردن ترشی استفاده می شود. در پایان تابستان و آغاز پاییز میوه بنه می رسد و به رنگ سبز درمی آید که درون پوسته سخت آن مغز میوه جای گرفته و پس از کوبیدن آن و گرفتن روغن و مغز درون پوسته غذای بومی خوشمزه ای با نام آب بنه یا قاتوق بنه درست می شود. درخت بنه فرآورده دیگری نیز دارد که شیر آن است و سقز



## لوتوس



## توفیقی کهن در خلق نقوش ماندگار

اعظم روستایی - کارشناس روابط عمومی

احتمالاً برای اولین بار، افراد چادرنشین فرش را برای کف خاکی زیر چادرهایشان انتخاب کردند. باستان شناسان روسی "رودنکو و گربازنوف" در سال ۱۹۴۹ و در دره پازیریک حدوداً در ۵۰۰۰ فوتی کوه‌های التایی، کشف کردند؛ که در پنج قرن قبل از میلاد فرش بافی به بالاترین حد خود رسیده بود. این در حالی است که در دست نوشته‌های چینی‌ها، اولین مدرک موجود که در رابطه با موجودیت فرش پیدا شده بود مربوط به سلسله ساسانیان است. (۶۴۱ تا ۶۴۴ میلاد) روشن است که قالی‌بافی، همواره یکی از صنایع مهم دستی ایرانیان بوده است. در این میان، مردمان دشت مرو دشت و منطقه ی پارسیه پاسارگاد، نیز در شمار هنرمندان چنین صنعت کهن و ماندگار قرار دارند. دیاری که هنوز یکی از زیباترین هنر دست‌های مردمانش، قالی‌بافی است. آمیزه‌ای از کار، تلاش و هنر که با دست‌های سخت کوش زناش بافته می‌شود.

هنر بافندگی چنان با ذهن خلاق و روح پاک بافندگان خود در هم آمیخته که گره گره و رج به رج، نقشی به وسعت عشق بر فرش، خلق می‌کند. رنگها و نقوشی که هر یک، از آیین و اعتقادات و زندگی مردم دیار پارسیه پاسارگاد سر چشمه می‌گیرد و به این دستبافته‌ها جذابیت و زیبایی فوق العاده ای می‌بخشد. رنگها گویی زنده اند و نقش ها نه تنها روایت گر اصالت خالق اثر که توصیف کننده ی فرهنگی بس پر مایه و سرشار از مباحثات، از گذشته های دور تا کنون هستند. در میان این بافته‌ها، نوعی فرش به نام گبه بافته می‌شود. گبه تجلی زیبایی، طراوت و شادی زندگی مردمانی است که مانند پیراهن‌های رنگ به رنگ زنان قشقایی، موجی از رنگ‌های شاد طبیعت را در خود جای داده است. زمینه اصلی این فرش، دشت‌های سرسبزی است که عشایر در آن‌ها زندگی می‌کنند. انگار تمامی زیبایی‌های طبیعت در زمان کوچ، به دست دختران و زنان هنرمند قشقایی بر این فرش‌های کوچک نقش بسته است. لوازم و ابزار کار زنان بافنده ی گبه، از ابزاری که سایر بافندگان استفاده می‌کنند، بیش تر نیست و عمدتاً شامل دارهای افقی و دفتین، سیخ پودکنی، قیچی و گاه قلاب است، اما در باطن، حکم پدیده ای منحصر به فرد را دارد و به جرأت می‌توان گفت چنانچه میلیون ها گبه با هم مورد مقایسه قرار گیرد، محال است در میان آن ها، حتی دو گبه با مشخصات یکسان پیدا شود.



بین بافندگان گبه، بهره گیری از نقشه مرسوم نیست و هر کدام از بافندگان گبه، نقش هایی ذهنی را که میراث گذشتگان یا ابتکار خود آنها است، بر فرآورده های خود می‌بافند و حتی در شرایطی که مشتری گبه، طرح خاصی را در اختیارشان می‌گذارد و درخواست می‌کند مثل آن را بیافند، برحسب روحیه و سلیقه شان، نقش ها را تحول می‌دهند و رنگ ها را با برگزیدن خود آنها استفاده می‌کنند. به این ترتیب، در بافت گبه حتی چنانچه بافنده ای شخصاً هم قصد بردار از یک محصول خود نسخه برداری کند، پیروز به چنین کاری نخواهد شد. زیرا باز احتمال دارد که گبه بافت شده از نظر نقش، رنگ، اندازه یا جای طرح، بلندی و کوتاهی پرز، شمار پودها با گبه اول متفاوت بوده باشد. اما نگاهها به این هنر و میراث معنوی با چه زاویه ای است؟ پر واضح است به مثابه ی پرنده ای که هر چند، فطری و غریزی راه پرواز را می‌داند اما پهنه ی آسمان، پروازش را باشکوه تر می‌کند؛ بافته های زنان این منطقه از ایران سرفراز نیز، در زمینه ی ثبات و عرضه ی هنرشان، نیازمند عزمی جدی و در خور توجه از سوی متولیان برای گشودن چتری حمایتی به وسعت آسمان بر فراز این هنر اصیل است. هنر دست این بزرگ بانوان نباید در محدوده زمان و مکان قرار بگیرد. کیوترازی از جنس حمایت را بر بام حرم هنرشان به پرواز درآوریم و نظاره گر افق نگاه هنرمندان این خطه باشیم.



@persepolis\_world\_heritage\_site

## نقش بر فرش

## قالی پازیریک، قدیمی ترین فرش دنیا

قدیمی ترین بقایای تمدن ایرانی توسط یک هیئت روس در دره پازیریک در قلب کوه آلتای در جنوب سیبری کشف شده است. اکتشافات بسیاری در این محل انجام شد. از میان آنها: زین ها، لگام های چوبی، دو ماسک با صورت مردان، قابل انتساب به تمدن سکایی، دو سپر کوچک از جنس ترکه با یک ترام که توسط بندهای چرمی نگه داشته می‌شود، که با شباهت زیادشان به سایر سپرهای نقوش تخت جمشید می‌بایست متعلق به جنگجویان ایرانی بوده باشند، چهار مومیایی، اسکلت هایی از مردان و اسب ها، لباس ها و پارچه هایی که یکی از آنها با طرح های شیرهای پشت سر هم قرار گرفته بسیار شبیه نقوش یافت شده در تخت جمشید است. چند عدد فرش نیز پیدا شده که شگفت انگیزترین آنها فرش پازیریک است که به احتمال نزدیک به یقین متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد است. این فرش بیش از چهار هزار گره در هر دسی متر مربع دارد که تجمع آنها به اندازه گره های مدل های دستباف امروزی است. این فرش نه تنها به دلیل ظرافت بافتش شایان توجه است، بلکه از نظر رنگ هایی که در آن به کار رفته است نیز عالی است (آبی آسمانی، قرمز سیر، زرد، روشن و سبز)، که البته به مرور زمان اکسید شده و تا حدی خراب شده اند. به عقیده رودنکو، رئیس این مأموریت و بیشتر کارشناسان، این یک فرش ایرانی بوده و با اینکه در منطقه سکایی پیدا شده توسط یک قبيله کوچنده ایرانی بافته شده که احتمالاً ریشه سکایی داشته اند، و در شمال ایران و ترکستان زندگی می‌کرده اند. این دلیل به خاطر بافت آن با گره های ترکی است. دو واقعیت مهم این فرضیه را تأیید می‌کنند: حاشیه دوپل آن که یکی اصلی و دیگری فرعی است نوعاً در هند و نساجی ایرانی به کار می‌رفته است، و تعداد افراد سواره نظام که مانند تعداد مردانی که تخت پادشاهی خشیار شا را در تخت جمشید حمل می‌کردند بیست و هشت تن است. پس این فرش توسط صنعتگران سکایی اصلی در ایران ساخته شده که توانسته اند مهارت هر دو تمدن را با هم ترکیب کرده و از نفوذ هر دو فرهنگ استفاده نمایند.

باید یادآور شد که اصلیت این فرش همواره مورد بحث بوده و خواهد بود. با اینکه کارشناسان بیشتر نظر رودنکو را قبول دارند که گفته این یک فرش ایرانی است، به سختی می‌توان به یک نتیجه قطعی رسید. در میان تمام این اکتشافات زین فرش های متعدد دستبافی نیز وجود دارند که آنها نیز به زیبایی و ظرافت فرش پازیریک هستند. اما علاوه بر این، طرح هایشان به طرز شگفت انگیزی برگشت پذیرند. این زین فرش مراسمی مذهبی را ترسیم می‌کند که توسط چهار زن جشن گرفته شده است: دو ملکه و دو زن که مسئول حراست آنها هستند. آنها به نظر ایرانی الاصل می‌رسند زیرا لباس های هخامنشی به تن دارند و در حال انجام همان مراسم مذهبی هستند که مهرهای هخامنشی به نمایش گذاشته اند. به علاوه محراب آتش آنها عیناً شبیه محراب نقوش برجسته تخت جمشید است.

کهن ترین نمونه های مشابه نقش زمینه اصلی قالیچه پازیریک را در سنگفرش های کاخ های آشوری می‌توان یافت. از مهم ترین نمونه فرش یا زیرانداز مشابه قالیچه پازیریک، تصویر زیرانداز شاه در نقش برجسته های بدنه غربی درگاه غربی تالار صدستون تخت جمشید است.











## پیشینه



Photos of Collection KUB.Co(®)/Afshin Ariafar/2017

محمدحسینی گورجی؛ کارشناس حفاظت و مرمت پاسارگاد

## پیشینه مرمت در پاسارگاد

باستانی فارس) بر عهده مؤسسه ایتالیایی شرق میانه و دور (ایژمئو) قرار گرفت تا کار مرمت را به کمک کارشناسان ایتالیایی بناهای تاریخی و با همکاری اداره کل باستانشناسی ایران به انجام رسانند. این گروه به سرپرستی جوزپه تیلیا و همسرش (آن بریت تیلیا) پس از انجام مطالعات و بررسی های اولیه مشغول انجام فعالیت های مرمتی شدند. این دوره در واقع دوران آغازین سلسله مرمت های علمی در مجموعه تاریخی پاسارگاد و سایر اماکن باستانی فارس به شمار می رود. به طور اختصار به موارد زیر اشاره می توان کرد:

- تعمیرات قبر کوروش در بهار سال ۱۹۷۱ شامل برداشت تمام مرمت های دوره علی سامی (سیمان ها)، الحاق ۱۲ قطعه سنگ بزرگ جدید برای جاگذاری بلوک های مفقوده پلکان که سامی با سیمان پر نموده بود، جازنی قطعات و پلاک های سنگی به جای سیمان های سامی در حفره های به جای مانده از آهن ربایان (فضای خالی بستهای دم چلچله ای) که با توجه به اینکه دستیابی سنگ از معدن سیوند مشکل بوده و زمان آغاز جشن های ۲۵۰۰ ساله نیز نزدیک بود، گروه مجبور به تهیه سنگ از بازار شیراز گردید و چون این سنگ ها از لحاظ دانه بندی و رنگ با سنگ های اصلی آرامگاه مغایرت داشت، لذا برای یکنواخت نمودن سطح کار مجبور به رنگ آمیزی سطوح سنگی جدید گشتند که حاصل آن تیره شدن بلوک های جدید نسبت به سنگ های قدیمی در دراز مدت گردید (امروزه به صورت لکه های سیاه قابل رویت می باشد) و باز گرداندن قطعات ستونها، پله های درگاهی، سنگهای دیوار و سنگهای کف که برای ساخت مسجد اتابکی در قرن یازدهم میلادی به اطراف آرامگاه آورده شده بود، به کنار کاخ ها بود.
- فعالیت های مرمتی کاخ اختصاصی: در کاخ اختصاصی تنها ۲ قطعه ستون در جای اصلی خود باقی مانده بود. بسیاری دیگر از قطعات ستونها بر روی سنگ فرش افتاده بود و برخی از ته ستون ها احتیاج به

از باران آسیب می دید و نیاز به مرمت دائم داشت و قسمتهای چوبی بنا نیز بایستی تعمیر می شد و چوب های جدید جانشین می شد. طبق تحقیقات کاوشگران و نوشته های (آن بریت تیلیا) اندود دیوارها و کف پوش عمارات نیز می بایستی گاه بگاه تعمیر می شد، برای نمونه می توان یک محل در عمارت خزانه تخت جمشید را ذکر کرد، که برای آن چهار لایه تجدید اندود و کف ثبت شده است.

## ۲. دوره دوم مرمت در مجموعه تاریخی پاسارگاد

## (دوره پهلوی با سرپرستی علی سامی)

از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۴م، علی سامی به عنوان رئیس بنگاه علمی تخت جمشید تحت نظر اداره کل باستان شناسی ایران مشغول بررسی ها و کاوش هایی در پاسارگاد و تخت جمشید شد و در همین راستا یک سری فعالیتهای مرمتی نیز انجام داد:

- سوار کردن قسمتهای شکسته نقش برجسته ها (در قسمت دروازه های کاخ بارعام و اختصاصی) به کمک سیمان
- پر کردن قسمت های خالی شده بست ها در بناها به خصوص بنای آرامگاه (این بخش ها توسط آهنربایان ایجاد شده بود) به کمک سیمان
- ترمیم بخش های متلاشی شده و همچنین پرکردن ترک های سنگ ها به کمک سیمان
- بیرون کشیدن درخت روییده شده در سقف آرامگاه
- بازسازی بخش غربی کاروانسرای مظفری به کمک سنگ های باقی مانده جهت راه اندازی دفتر هیئت باستان شناسی در مجموعه تاریخی پاسارگاد
- کشیدن دیوارهایی کنار کاخ ها جهت حفاظت بناها در برابر تجاوز کشاورزان و مردم (امروزه هنوز آثار کمی از این دیوارها وجود دارد)

## ۳. دوره سوم مرمت در مجموعه تاریخی پاسارگاد

## (دوره پهلوی، موسسه شرق شناسی ایتالیا: ایژمئو)

در سال ۱۹۶۴ م، فعالیت های مرمتی و حفاظتی برای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد (و سایر اماکن

فراز و نشیب های حفاظتی و مرمتی که از ابتدای برپایی مجموعه تاریخی پاسارگاد تا کنون، سازه های این مکان بی نظیر به چشم خویش دیده اند را می توان به ۶ دوره کلی تقسیم بندی نمود. دوره هایی که در ابتدا به دست استادکاران بی همتای دوره هخامنشی صورت پذیرفت و این سیر ادامه داشت تا اکنون که با حضور مرمترانی از سراسر گیتی این مجموعه همچنان سرپا و پابرجاست.

## ۱. دوره اول مرمت در مجموعه تاریخی پاسارگاد

## (دوره امپراتوری هخامنشیان)

یکی از کارهای مرمتی که هخامنشیان باظرافت و دقت خاصی انجام می دادند و ما مکرراً شاهد آنها در اکثر بناهای مجموعه تاریخی پاسارگاد بخصوص کاخ بارعام و اختصاصی هستیم فرایند وصله کاری می باشد. به این صورت که: اگر در سنگی رگه یا حفره و یا شکافی دیده می شد، یا به اصطلاح بخشی از سنگ کرمو بود، اطراف قسمت معیوب سنگ را دقیق و ظریف خالی می کردند و در آن جا وصله ای از جنس همان سنگ با درزگیری دقیق و تمیز قرار می دادند، به طوری که به سختی قابل مشاهده بود. امروزه پس از گذشت ۲۵ قرن هنوز در کاخ اختصاصی ما شاهد وصله هایی هستیم که تنها در اثر خیس شدن دیده می شوند. یکی دیگر از کارهای مرمتی منحصر به فرد انجام شده توسط هخامنشیان در پاسارگاد و تخت جمشید، جلوگیری از پیشرفت ترک های بزرگ با بکار بستن بست های آهنین است که در ملاتی از سرب قرار می گرفت.

نمونه دیگر کارهای تعمیراتی هخامنشیان جلوگیری از پیشرفت شکاف های کوچک بود. به این ترتیب که پیرامون شکاف های کوچکتر را با قلمی پهن و یا چکش حجاری می گرفتند تا پیشروی نکنند. آنها احتمالاً سنگ های آستانه در و سنگ های پلکان را به علت فرسایش حاصله از مصرف زیاد همواره مرمت می کردند همچنین ساختمانهای خشتی مانند امروز



سنگها، سال ۲۰۰۲ م

- ریختن ماسه بادی در میان شکافها و درزهای سنگ پس از پاکسازی، جهت جلوگیری از رویش گیاهان و جلوگیری از جمع شدن و یخ زدگی آب در میان شکافها و ترک های سنگ، سال ۲۰۰۲ م

- نصب تابلوهای پرکسی گلاس جهت معرفی بناهای مجموعه تاریخی پاسارگاد (تنها نصب تابلوهای انگلیسی، سال ۲۰۰۲ م

- پاکسازی اطراف کاخها و بناها از خار و علفهای هرز، سال ۲۰۰۳ م

- طراحی و اجرای مسیر ورودی در مجموعه بناهای مجموعه به کمک زدن حفاظ های مرکب میله و طناب. سال ۲۰۰۳ م،

- انجام فعالیت های پژوهشی پیرامون شکل گیری روستای مادر سلیمان و تحولات مجموعه تاریخی به منظور ایجاد تقویم تاریخی پاسارگاد، سال ۲۰۰۳ م،  
- آسیب نگاری و آسیب شناسی جزر انسان بالدار - برداشت آبروهای باغ سلطنتی سال ۲۰۰۳ م،

- پاکسازی کف بناها از خار و خاشاک و خاکهای

انباشته شده در سالهای گذشته، سال ۲۰۰۳ م،

- از ۲۳ سپتامبر (از آغاز مهر ۱۳۸۲) شروع دوره

در مجموعه تاریخی پاسارگاد می باشد.

**۴. دوره چهارم مرمت در مجموعه تاریخی پاسارگاد (دوران جمهوری اسلامی، دفتر فنی میراث فرهنگی مرودشت (تخت جمشید) با سرپرستی حسن راهساز شامل:**

- ایجاد پوششهای حفاظتی بوسیله داربست فلزی و ایرانیت بر روی نقش انسان بالدار، سال ۱۹۸۴ م

- دیوارچینی دور پایه ستونها و درگاهها در کاخ بارعام و کاخ دروازه با آجر و ملات سیمان و پر کردن آن با ماسه بادی و اندود کاهگل بر روی آن، سال ۱۹۸۶ م

- فرش کردن کف درگاههای کاخ دروازه با آجر، سال ۱۹۸۶ م

- مهار موقت کردن قطعات باز شده سنگهای قلمه ستون بارعام بوسیله سیم بوکسل، سال ۱۹۸۶ م

- سوراخ کردن و مهار قطعات از هم جدا شده سنگهای قلمه ستون بارعام بوسیله میله های پولادی که از دو سر پیچ و مهره شده است، سال ۱۹۸۷ م

- مرمت و پیچ و مهره کردن نقش برجسته انسان بالدار، سال ۱۹۸۸ م

- ایجاد پوشش های حفاظتی بر روی دروازه های منقوش کاخ بارعام و اختصاصی، سال ۱۹۹۰ م

تعمیر داشت. بسیاری از قطعات سنگ فرش سفید از جای خود کنده شده بودند و یا به بناهای دیگر انتقال یافته بودند. از جمله فعالیت های انجام شده توسط گروه ایتالیایی سرپا نمودن قلمه ستون های افتاده شده و مرتب نمودن شالی ستون ها، ساخت شالی ستون های مفقوده برای قلمه ستون های موجود از سنگ جدید، قرار دادن سه قطعه از آزاره های جزرهای خشتی کنار ورودی جنوب غربی تالار و برگرداندن شش قطعه از بلوک های کف به جای اصلی خود و مرمت برخی دیگر از سنگ ها بود.

• فعالیتهای مرمتی کاخ بارعام شامل: بازگرداندن ده قطعه سنگ فرش، نه قطعه پایه در و هفده قطعه ستون به کنار کاخ بارعام از اطراف پارامگاه کورش و برچیدن، استحکام بخشی و مرمت تک ستون کامل در تالار کاخ بارعام

• فعالیتهای مرمتی کاخ دروازه شامل: پاکسازی سیمان هایی که ترک های جزر را با آن پر نموده بودند (سیمان های دوره سامی)، بلند کردن و جدا نمودن کامل جزر از جایگاه اصلی خود، جایگزینی سنگ جدید با بخش مفقود شده پایه (امروزه این بخش با یک فاصله چند میلیمتری از بخش اصلی قابل تشخیص می باشد)،



جدیدی از مرمت آرامگاه کورش، سال ۲۰۰۳ م، که این دوره مرمت شامل:

- برداشت مرمت های سیمانی باقی مانده و لقمه گذاری با سنگ هم جنس  
- برداشتن گلستگ ها و ...

\* برگرفته از پژوهش معرفی و بررسی فرایند ساخت و مرمت در مجموعه تاریخی پاسارگاد، کیال و رخشانی، ۱۳۸۲

**۶. دوره ششم مرمت در مجموعه تاریخی پاسارگاد (دوران جمهوری اسلامی، پایگاه میراث جهانی پاسارگاد با همکاری مؤسسه عالی حفاظت و مرمت رم - ایتالیا) شامل:**

- مطالعات و بررسی جهت ارائه راهکار همگون سازی مرمت های پیشین آرامگاه کورش

- مطالعه و بررسی لایه ها و سنگ های آرامگاه کورش

- حفاظت و مرمت نقش برجسته های درگاهی کاخ اختصاصی

- حفاظت و مرمت فنداسیون کاخ اختصاصی

- مرمت بلوک سنگی کف تالار کاخ اختصاصی

- آسیب شناسی و آسیب نگاری ایوان جنوب شرقی کاخ اختصاصی

- آسیب شناسی و آسیب نگاری آبراهه های باغ شاهی

- حفاظت و مرمت جزر انسان بالدار

- پیاده کردن قلمه های ستون کاخ بارعام به پایین و تعمیر و لقمه گذاری شالی ستون و سوار کردن مجدد قلمه های ستون، سال ۱۹۹۱ م

- ترمیم پوشش های آجری و کاهگلی پایه ستون های کاخ بارعام و دروازه، سال ۱۹۹۳ م

- نصب تابلوهای راهنما برای مجموعه تاریخی پاسارگاد، سال ۱۹۹۶ م

**۵. دوره پنجم کارگاه های مرمت فعال در مجموعه تاریخی پاسارگاد (دوران جمهوری اسلامی، بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد با سرپرستی حسن راهساز) شامل:**

- نصب داربست جهت ایجاد پوشش حفاظتی برای آرامگاه کورش کبیر، سال ۲۰۰۱ م

- برداشت نقشه دقیق و آسیب نگاری آرامگاه کورش کبیر به روش دستی و ترسیم کامپیوتری، سال ۲۰۰۲ م

- راه اندازی مجموعه فنی پاسارگاد (مرکز پژوهشی پاسارگاد)، سال ۲۰۰۲ م

- آسیب نگاری کلی مجموعه تاریخی، آغاز برداشت و مستند نگاری کاخ دروازه، سال ۲۰۰۲ م

- پاکسازی بناها و اطراف آنها از خار و علف های هرز، سال ۲۰۰۲ م

- پاکسازی دقیق کف کاخ دروازه و عاری ساختن آن

از هر گونه گیاه. جهت جلوگیری از تخریب بیشتر

الحاق جزر با قسمت باقی مانده و قرار دادن جزر بر روی شالوده ای از شفته سیمانی

• فعالیت های مرمتی آرامگاه کمبوجیه: قسمت اعظم این بنا فرو ریخته بود و تنها دیوار باقی مانده آن در سمت شمال غرب قرار داشت. این دیوار به واسطه وضع بد شالوده ها بطرز خطرناکی به اندازه ۳۰ سانتی متر به عقب کج شده بود و سنگهای اطراف و زیر دهانه در خطر سقوط قرار داشتند. در سال ۱۹۶۸ در این برج تعمیر موقتی صورت گرفت وقتی خاکها را از پای دیوار برداشتند معلوم شد که در گوشه غربی سنگها فقط روی چند سانتی متر مربع تکیه داشته است. نخست دیوار پشتیبندی مرکب از سنگهای کوچک مستطیل شکل در گوشه غربی ساخته شد. سپس داربستی فلزی بر پا نمودند تا دیوار را از پشت نگهدارد و همچنین سیم های آهنی به شکل h در دهانه در قرار دادند تا از فرو ریختن سنگ ها پیشگیری شود.

در این دوره محدوده کنونی مجموعه ضبط و با نام مجموعه تاریخی پاسارگاد حصارکشی شد تا آثارمجموعه از گزند آسیب های وارده از طرف عوامل انسانی (مثل کشاورزی، بریدن سنگها و...) و ورود دام در امان مانده و حفاظت شود. از دیگر کارهای انجام شده در این دوره کشیدن مسیر بازدید آسفالت کنونی

## پادمان

وحید یارانی؛ کارشناس ارشد باستان شناسی تخت جمشید،  
حمیدرضا کریمی؛ کارشناس ارشد باستان شناسی پاسارگاد

## استادکاران و حفاران باستان شناس پارسیه پاسارگاد

و میانسالی است. برای داشتن وجود نازیبی همچون شما بر خود می‌بالیم، و بر دست‌های پینه‌بسته تان بوسه می‌زنیم و تمام خاطرات شیرین و تلخی را که در کنار باستان شناسان گذرانیدید، عزیز می‌داریم و هیچ وقت از شنیدن آنها خسته نمی‌شویم و از تک تک آنها درس خواهیم گرفت.

**فصلنامه پارسیه پاسارگاد در این شماره، از کسانی تجلیل و قدردانی می‌کند که سالها تلاش و کوشش در کاوش‌های باستان‌شناختی را در کنار باستان شناسان در گوشه گوشه کشور عزیزمان ایران کلتگ زده‌اند.**

حیدر زارع بودیم. یکی از روزها که مشغول کاوش بودیم سرکارگر ما یک قسمت از خاک را تراشیده بود و می‌گفت که دیوار است. من پایین آمدم و به دیواره‌های خاکی تکیه دادم و خاکها فرو ریخت. پشت خاک ریخته شده یک دیوار سنگی نمایان شد و به حیدر گفتم: بین این دیوار است نه اون که تراشیدی. پشت سر من پروفیسور (استروناخ) ایستاده بود و نگاه می‌کرد. به من گفتم کار تو چیست و من گفتم خاک می‌برم. بعد که دید دیوار سنگچین پیدا کردم به من گفتم برو پایین تپه یک کلتگ بزرگ و یک کلتگ کوچک و یک کمچه بیاور. بعد که آوردم یکی از اتاق‌ها را به من سپرد تا حفاری کنم و از اینجا بود که من شدم کلتگ زن و تجربه من روز به روز بیشتر شد.

بعد از تل تخت چند وقت هم آب نماهای باغ‌شاهی را کاوش کردیم. در همین سال بود که خانم "کلر گاف مید" در تل نخودی مشغول کاوش بود و من به عنوان کلتگ زن در حفاری هیأت او مشغول کاوش شدم. من نجاری نیز خوب بلد بودم و در هیأت وسایل مورد نیاز را برایشان درست می‌کردم.

**پارسیه پاسارگاد: به جز کاوش‌های پاسارگاد در کدام از محوطه‌های تاریخی ایران حضور داشتید؟**

بعد از پاسارگاد من به همراه پروفیسور (استروناخ) برای کاوش نوشیجان به آنجا رفتم. در نوشیجان دکتر فیروز باقر زاده نیز حضور داشت که خاطرات زیادی از ایشان دارم. در کاوش نوشیجان بود که پروفیسور سفارش من را به آقای میر عابدین کابلی نمود تا در اداره باستان شناسی مشغول به کار شوم. آقای کابلی به من گفتند که چون نیمه سال هست باید صبر کنی تا سال جدید بتوانی در اداره مشغول به کار شوی و من نیز قبول کردم. اول دیماه بود که از تهران به من اطلاع دادند که به آنجا بروم و بعد به تهران رفتم در آنجا به من گفتند که ری رفته‌ای و من گفتم نه. فردا به همراه آقای کوثری به ری رفتم. هوا سرد بود و برف و باران زیادی می‌بارید و من در مدت حفاری در چادر بودم. در ری ما به دنبال بافت قدیم ری بودیم که بخش زیادی از آن در زمین‌های کشاورزی بود و یکی از مالکین قسمت زیادی از برج و بارو را خراب و صاف کرده بود. در قسمتی از حفاری ری به همراه زنده یاد دکتر شهریار عدل یک گمانه را باز و حفاری کردیم تا به سفال‌های پیش از تاریخی رسیدیم. بعد از ری به کازرون رفتم و در حفاری شهر بیشابور به همراه آقای سرفراز و آقای صراف مشغول کاوش شدم. چند وقت نیز در کاوش‌های زیویه کردستان بودم. مدتی هم به ایلام رفتم و در منطقه دره شهر به همراه خانم "لک پور" در کاوش‌های آنجا مشغول شدم که یک محوطه ساسانی و اوایل اسلامی بود. پس از مدتی کاوش‌های پاسارگاد به سرپرستی "آقای اله قلی اسلامی" از سر گرفته شد و بخش زیادی از آبنماها کاوش شد. زمانی که فنس اطراف محوطه را می‌کشیدیم در یکی از روزها و زمانی که قصد جایجایی مسیر چند فنس را داشتیم یک قلک سفالی از زیر خاک بیرون آمد که پر از سکه طلا از دوران اتابکان بود. آقای اسلامی را خبر کردیم و سکه‌ها را شمردیم که نزدیک ۱۵۰ سکه بود.

بعد از این کاوش‌ها به عنوان نگهبان در محوطه مشغول به کار بودم که در ابتدا حقوق من روزی ۱۲ تومان بود. من در سال ۱۳ بازنشسته شدم و در دوران بازنشستگی در کاوش‌های تنگ بلاغی در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ و کاوش سد هخامنشی شهیدآباد نیز حضور داشتم.

سید مرتضی حالا دیگر همانند گذشته توان گرفتن کلتگ باستان شناسی را ندارد تا بتواند ردی از خشت و آجر را دنبال کند و دیوار و یا کف بنایی را بیابد. او بیشتر وقت خود را در خانه می‌گذراند و گاهی به محوطه پاسارگاد سر می‌زند و دفتر خاطرات خود را در ذهنش ورق می‌زند. اما قدردانی هرچند کوچک می‌تواند دل او و دیگر دوستانش را به پاس زحماتشان گرم و شاد کند.

"سپاس از همکار گرامی حمیدرضا کریمی بابت این گفتگو"

در کومه خاموشی که اینک تو نشسته‌ای امیدم هست، روزگاران آمده‌اند و در میگذرند، اما یار مهربان روزهای سخت، یادتان در دلمان همیشه هست. می‌دانیم حاصل سالها رنج و مارت، کار و تلاش شما در احیاء و پیدا شدن هویت اصیل ایرانی در اکثر نقاط کشور و به ویژه پارسیه پاسارگاد، خدمتی است ستودنی که میتوان آن را به اکسیر تشبیه کرد، و شما حفاران همان اکسیر عطر باستان شناسی هستید که یافته‌هایتان نشأت گرفته از تلاش سالها جوانی

## گپ و گفت با یک کاوشگر



حوزه میراث فرهنگی کشور و به ویژه باستان شناسی شخصیت‌های فعال و پویا به خود بسیار دیده است. اما در این میان نام و نشان بسیاری از آنها کمتر به میان می‌آید. اینان چه از روی علاقه و عشق خود نسبت به یادگارهای نیاکانمان و چه به واسطه تجربه، خدمات ارزنده‌ای در زمینه شناسایی، حفاظت و مراقبت از میراث تاریخی و فرهنگی این سرزمین داشته‌اند. یکی از تلاشگران پیشکسوت که در بسیاری از محوطه‌های باستانی و تاریخی ایران و به ویژه محوطه پاسارگاد زحمات زیادی کشیده و به قولی موهایش را در این راه سپید کرده، سید مرتضی موسوی است. به پاس تلاش‌های ایشان و سایر حفاران تجربی و پیشکسوت به نمایندگی از کلیه این بزرگواران، گفتگویی کوتاه با وی داشته‌ایم که در ادامه به آن می‌پردازیم.

**پارسیه پاسارگاد: خودتان را معرفی کنید و بفرمایید از چه زمانی وارد حوزه میراث فرهنگی و به ویژه باستان شناسی شدید؟**

بنده سید مرتضی موسوی هستم زاده ۱۳۱۵ پاسارگاد (مادر سلیمان). به درستی به یاد نمی‌آورم از چه سالی و نخستین بار با دیوید استروناخ زمانی که او به پاسارگاد آمد و مشغول کاوش در محوطه پاسارگاد شد من خیلی جوان بودم و برای کار پیش او رفتم و در کاوش محوطه مشغول شدم.

**پارسیه پاسارگاد: در کاوش کدام از بناهای پاسارگاد حضور داشتید و کوتاه در مورد این کاوش‌ها بیان کنید.**

من به همراه هیأت کاوش مدت کوتاهی در کاوش کاخ اختصاصی بودم و پس از آن برای کاوش پل هخامنشی نزدیک کاخ بارعام رفتم. بعد چند روز که کاوش پل تمام شد، کاوش کوشک‌ها آغاز شد که به محل کوشکها رفتم.

یکی از مهمترین رویدادی که هنگام کاوش کوشک‌ها رخ داد پیدا شدن ظرف سفالی که درون آن زیورآلات طلا بود. این جواهرات نزدیک کوشک ب پیدا شد و چندین ماه بیرون از خاک بود و کسی توجهی به آن نمی‌کرد چراکه روی زمین پر از سفال شکسته بود و سر این ظرف نیز در هنگام شخم زدن زمین شکسته و از بین رفته بود. به یاد دارم یکی از اعضا خارجی کاوش که نام آن را به یاد نمی‌آورم گاهی به او سیگاری تعارف می‌کردم، یکی از روزها پیش من آمد و گفت سید مرتضی "مانی لیتل" "Money Little" حقوق خیلی کم می‌گیری من به تو بیشتر می‌دهم. بعد شروع به قدم زدن کرد و تا نزدیکی کوشک رفت و با پا زیر ظرف سفالی زد. حالا این ظرف نزدیک یک ماه و نیم اونجا بود و کسی نگاهش هم نمی‌کرد. وقتی زیر ظرف زد، ظرف سفالی خرد شد و اشیای زینتی آن بیرون ریخت. با عجله پروفیسور (استروناخ) را صدا کردم که در تل تخت بود. بعد که پروفیسور آمد خیلی خوشحال شد و به من گفت به خانه بیا تا ظرفی برای نگهداری جواهرات درست کنیم. بعد آقای آرام که ناظر اداره باستان شناسی بود گفت که نگهداری اشیاء در اینجا خطرناک است و امن نیست بعد زیورآلات را به شیراز برد و به بانک ملی سپرد و رسید آن را گرفت و آورد.

**پارسیه پاسارگاد: پس از کاوش کوشک‌ها و پیدا شدن زیورآلات کدام بناها کاوش شد؟**

در سال بعد مدتی در تل تخت و بعد در کاخ دروازه کاوش کردیم. در کاوش تل تخت ابتدا با استامبولی خاکها را جایجا می‌کردیم و بعد که کار حفاری زیاد شد ریل و واگن آوردند تا کار زودتر پیش برود. در حفاری تل تخت من به همراه تعدادی کارگر دیگر زبردست شخصی به نام



## پادمان

تا اینکه در سال ۱۳۵۷ به عنوان حفار حرفه ایی و فنی به استخدام رسمی در آمد . نام برده پس از انقلاب در سال ۶۲ برای اولین بار به عضویت هیات باستان شناسی تپه هگمتانه به سرپرستی دکتر محمد رحیم صراف در آمد و از آن به بعد به طور مستمر به عنوان حفار فنی و همچنین مرمت کار هنری در کاوش های بسیاری در نقاط کشور حضور داشتند .

خلاصه ای از مهمترین مأموریت های علی زارع :

”منطقه ایلام غرب در سال ۱۳۶۵ به سرپرستی آقای میر عابدین کابلی

مهدی آباد سوخته شوشتر به سرپرستی آقای مهدی رهبر

میمن قلعه قزوین در ۴ فصل از سال ۶۷ تا ۷۱ به سرپرستی محمد رضا خلعتبری

شهر قدیم طوس، شهر قدیم نیشابور و تپه باستانی روستای جاجرم در سال ۶۷ تا ۶۹ به

سرپرستی دکتر محمود موسوی

کوه خواجه زابل، شهر قدیم کیش به ترتیب در سال ۷۰ و ۷۱ به سرپرستی دکتر محمود

موسوی

غار کل ماکره خرم آباد، در سال ۷۱ و ۷۲ زیویه در سال ۷۳، مسجد گنبد کبود تبریز در

سال ۷۸ به سرپرستی آقای نصرت الله

و سرانجام سفری ۳۰ ساله از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۸ برای آقای علی زارع فرا رسید . و در سال

۱۳۷۹ به دلیل بیماری به آرامگاه ابدی خویش شتافت ، روحش شاد و یادش گرامی ( این

مطالب بر گرفته از گزارش ها و مأموریت های مرحوم علی زارع که در آرشیو پایگاه میراث

جهانی تخت جمشید است )



## مرحوم علی زارع

آقای علی زارع در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در روستای شمس آباد (نزدیکی تخت جمشید) به دنیا آمد. وی فعالیت خود را در سال ۱۳۴۸ با کاوش در بخش جنوبی صفا تخت جمشید و برج و باروهای کوه مهر (رحمت) به سرپرستی جناب آقای تجویدی آغاز نمود. و پس از آن با یک هیات انگلیسی در بندر سیراف و بعد در تل دروازه فارس همکاری نمود،



## فیروز زارع

آقای فیروز زارع در سال ۱۳۲۸ در روستای شمس آباد در نزدیکی تخت جمشید به دنیا آمد. آقای زارع ابتدا به عنوان مرمثکار هنری در تخت جمشید استخدام شد و پس از آن به عنوان حفار از سال ۱۳۶۸ کار خود را شروع کرد که خلاصه ایی از فعالیت ها و مأموریت های وی عبارتند از :

شهر قدیم طوس در سال ۱۳۶۸ به سرپرستی دکتر موسوی

شوش، چغانبیل، هفت تپه در سال ۱۳۷۲ به سرپرستی مهدی رهبر به

طول دو فصل کار مرمتی انجام داده اند. در ادامه در سال ۱۳۷۳ به مدت

۱۲ فصل در استان خراسان، شهرستان درگز، تپه بندیان به سرپرستی

مهدی رهبر حفاری نموده اند .

تپه معمورین فرودگاه بین المللی امام خمینی و شهرک اوان طی دو فصل

به سرپرستی جعفر مهرکیان

تپه ارجان و تپه همایون در شهرستان بهبهان به سرپرستی احسان یغمایی

## سید مرتضی موسوی (مروذشت)

آقای سید مرتضی موسوی در ۱۳۰۹ هجری شمسی در روستای کناره تخت جمشید متولد

شد . ایشان در سال ۱۳۲۷ به سرپرستی علی سامی در سازمان میراث فرهنگی استخدام شدند

. که از همان سالها با لویس واندنبرگ در تل تیموران به عنوان حفار فنی مشغول به کار شد

. نامبرده از سال ۱۳۴۴ با آقایان تجویدی و موسوی در کارگاه صفا تخت جمشید به مدت

یک سال حفاری نمود . ایشان از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ در محوطه هایی همچون قلعه دختر و

آتشکده ساسانی با آلمانی ها و پاسارگاد با استروناخ همکاری کرد . از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ به

ارگ کریم خان شیراز آمد و به مأموریت هایی همچون لار، خنج و گراش از استان فارس اعزام

شد و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ در مجموعه تخت جمشید مشغول به کار شده اند.



## علی شیر خالیدیان

آقای علی شیر خالیدیان در سال ۱۳۱۸ در روستای کناره نزدیک تخت جمشید به دنیا آمد و در بهمن ماه سال ۱۳۳۱ در میراث فرهنگی تخت جمشید زیر نظر آقای علی سامی مشغول به کار شد. مأموریت ها و کاوش های نام برده به صورت اختصار عبارتند از :

علی آباد کبار اولین حفاری وی با آقای دکتر سرفراز

مسجد جامع اصفهان شهر چی، کوه رحمت در ۳ فصل و شاه آباد غرب به

سرپرستی آقای دکتر میر فتح

مسجد جامع اردبیل، جزیره کیش به سرپرستی دکتر موسوی رئیس هیئت

میراث فرهنگی

چشمه علی تهران و یازده سال کاوش شهر هگمتانه به سرپرستی دکتر

صراف

پل دختر، شهر چی شهرستان سفر زیر نظر مهندس معتمدی ،



تپه علی گودرز به سرپرستی دکتر چگینی ،

فرودگاه امام خمینی به سرپرستی آقای مهرکیان و...

## دریچه



تکوک شیر غران از آثار باستانی دوره هخامنشی است. این تکوک دارای یک ظرف مخروطی شکل و یک شیر است که در حال نعره کشیدن است. ظروف مجرادار شاخی شکل با سر جانداران، پیشینه تاریخی و سابقه طولانی در شرق نزدیک، یونان و ایتالیا دارد. این تکوک همانند تعداد دیگری از تکوک‌های دوره هخامنشی، دارای ویژگی قائم بودن زاویه محور حیوان با ظرف است. در این تکوک قطعات با لحیم کاری به هم وصل شده‌اند و این عمل از دید بیننده پنهان است، این مهارت، شیوه بسیار عالی و فنی هنرمندان هخامنشی را بازگو می‌کند. شیر غران یکی از نمادهای هنرورزی در تزئینات آثار به جا مانده از دوره هخامنشیان است.

پی نوشت: (تکوک واژه‌ای است از پارسی میانه که امروزه به جز فارسی در زبان‌های ارمنی و گرجی هم به‌جا مانده‌است. یونانیان به آن ریتون گفته و هیتیها آن را بیبرو نامیده‌اند. در اعصار پیش و پس از تاریخ بجز در مراسم مذهبی و درباری برای نوشیدن شراب، کاربرد دیگری نداشته و وسیله‌ای تجملی بوده‌است. از نمادهای هنرورزی در تزئینات آثار به جا مانده از دوره هخامنشیان است.)

اطلاعات کلی

نام: تکوک شیر غران / دوره: هخامنشیان / تاریخ ساخت: سده پنجم پیش از میلاد / محل نگهداری: موزه متروپولیتن نیویورک  
کاربرد: تکوک / جنس: طلا / اندازه و وزن: ۱۷ سانتی‌متر (بلندی) / وزن: یک و نیم کیلوگرم

ویتترین محل نگه داری در موزه متروپولیتن در کنار ریتون های هخامنشی

عکس: آرمین احمدی





## چارسو

آزمایشگاه شناخت مواد و کارگاه حفاظت و مرمت میراث جهانی پاسارگاد

تخصصی همچون دستگاه های برش سنگ برای آماده سازی مقاطع مختلف از سنگ، میکروسکوپ های پولاریزان برای انجام مطالعات پتروگرافی، دستگاه های هود و آون، ابزار و وسایل پایش محیطی، ابزار و ادوات مرمت و... می تواند فضایی برای مطالعه و حفاظت از بناهای محوطه میراث جهانی پاسارگاد قلمداد گردد. همچنین موضوع آموزش از جمله اهداف همیشگی پایگاه بوده است که در حال حاضر با ایجاد زیرساخت های آزمایشگاهی و کارگاهی یادشده محقق گردیده است؛ به گونه ای که با حضور کارشناسان و دانشجویان مختلف در فصل حفاظت، آزمایشگاه به یک مرکز آموزشی در این حوزه بدل شده و به اندیشه حفاظت و مرمت پایدار در محوطه پاسارگاد غنا می بخشد.

تا کنون با پشتیبانی این آزمایشگاه، مطالعات گسترده ای در زمینه پایش و ارزیابی مؤلفه های محیطی تأثیر گذار بر ساختار سنگ های محوطه شده است. همچنین طبق برنامه ریزی های اقدامات مرمتی زیادی بر روی کاخ اختصاصی که پایه ستون های سنگ سیاه و کف ماسه سنگی این کاخ از زمان حفاری محوطه تا کنون به شدت در معرض فرسایش و تخریب بوده، به انجام رسیده است.

در واقع این آزمایشگاه تخصصی تمام مراحل مطالعه و اجرا در مجموعه جهانی پاسارگاد را پشتیبانی خواهد نمود. در این آزمایشگاه با طراحی و اجرای پروژه هایی در زمینه مطالعه میزان کارایی مصالح حفاظتی، مواد و روش های حفاظتی مورد نیاز در مرمت محوطه، ارزیابی و بهینه خواهند شد. در واقع از اهداف راه اندازی این آزمایشگاه و کارگاه مرمتی، دستیابی به شیوه حفاظت و نگهداری دراز مدت محوطه میراث جهانی پاسارگاد است. در حال حاضر موضوع توسعه این آزمایشگاه و کارگاه در دستور کار است و علاوه بر برنامه ریزی به منظور تکمیل ابزار و دستگاه هایی در حوزه شناخت و مرمت سنگ، در نظر است این مرکز به ابزار مرتبط با شناخت و حفاظت از سایر مصالح (از جمله خشت، ملات ها و غیره) و همچنین دیگر اشیای تاریخی (همچون سفال، فلز و غیره) نیز مجهز گردد.

این آزمایشگاه در آینده ی نزدیک قادر به ارائه خدمات آزمایشگاهی به دیگر محوطه های تاریخی منطقه خواهد بود و به ویژه در حفاظت بهتر از دیگر محوطه های با شواهد میراث سنگی استان نیز پشتیبانی های لازم را ارائه خواهد نمود.



## معرفی آزمایشگاه شناخت مواد و کارگاه حفاظت و مرمت میراث جهانی پاسارگاد

دکترحمید فدایی(مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد)

آزمایشگاه شناخت مواد و کارگاه حفاظت و مرمت در قالب برنامه همکاری مشترک هیات ایران - ایتالیا به منظور انجام مطالعات تخصصی سنگ و حفاظت از آن با اعتبار مشترک طرفین در سال ۱۳۹۳ در محل دفتر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد راه اندازی و در بهار سال ۱۳۹۴ همزمان با انتقال تجهیزات اهدایی وزارت میراث فرهنگی ایتالیا به پاسارگاد به بهره برداری رسید.

بهره برداری آزمایشگاه و کارگاه مرمت سنگ در پایگاه پاسارگاد از نخستین دستاوردهای همکاری مشترک با هیات ایتالیایی در پاسارگاد بوده که در حال حاضر به مطالعات حوزه سنگ در پاسارگاد تمرکز بیشتر و جهت مناسب تری بخشیده است. همزمان با بهره برداری از این مرکز، فعالیت ها به گونه ای برنامه ریزی شده، که بتوان بسیاری از مطالعات را در آزمایشگاه مجموعه به انجام رساند. آزمایشگاه سنگ پاسارگاد با در اختیار داشتن تجهیزات

و ویژگیهای زیست محیطی این ناحیه به اجرا درآمده است. در مسافت ۲۲ کیلومتری شمال خاوری پاسارگاد در آغاز تنگه ای کوهستانی با نام تنگ حنا دو سد تاریخی شناسایی شده که از دوران هخامنشی است. هرکدام از این سدها سازه ای سنگی دارند که با تزیینی و مهندسی هوشمندانه ساخته شده اند. سدها به وسیله آب راهی به درازای ۲۷۰۰ متر به هم پیوند داده شده اند. در بخش دیگری از منطقه و در پهنه دشت علفی در ۱۵ کیلومتری شمال خاور محوطه پاسارگاد دو سد دیگر وجود دارد که به سدهای علفی معروفند. این سدها روی چند جریان فصلی برای مهار سیلاب و ذخیره آب ساخته شده اند. همچنین در پایین دست چشمه بناب یک بند تاریخی وجود دارد که گمان می رود برای مهار آب چشمه بناب و هدایت آن به محوطه پاسارگاد ساخته شده باشد. بند تاریخی دیگری نیز در جنوب پاسارگاد در جایی با نام دم دریا وجود دارد که جدای از کارکرد آن به عنوان بند، راه ارتباطی میان دشت پاسارگاد و دشت کمین بوده است. در انتهای جنوبی دشت پاسارگاد و نزدیک تنگ سعادت شهر سد دیگری وجود دارد که به سد سرپنیران معروف است و روی یک جریان فصلی ساخته شده است. در تنگ بلاغی، منطقه توابع ارسنجان نیز سدهای تاریخی دیگری شناسایی شده است. جدای از این سدها و بندها، راه آب ها و شبکه های گسترده آب برای انتقال آب سدها به مناطق



## سامانه های مدیریت منابع آب دشت مرغاب و پاسارگاد

حمیدرضا کریمی؛ کارشناس ارشد باستان شناسی پاسارگاد

سرزمین ایران از دسته مناطق نیمه خشک و کم آب به شمار می آید. بیشتر گستره ایران را بخش های بیابانی و نیمه بیابانی در بر می گیرد. به دلیل بارش های اندک در این سرزمین فراهم کردن آب یکی از چالش های اساسی به شمار می آید. از این روی نیاکان ما از گذشته های دور راهکارهای گوناگونی را جهت بهره برداری بهینه از منابع آب به کار گرفته اند و در این میان ساخت سد یکی از راهکارهای ایرانیان در زمینه مدیریت آب به شمار می آید. سدها با نگرش به ساختار و کاربری، فراهم کننده آب بوده اند زیرا می توانند آب های مازاد را در دوره فراوانی ذخیره کنند، همچنین سدها با داشتن این ساز و کار می توانند آسیب های ویران گر خیزاب های رود ها را از بین ببرند و با دست کم مایه کاهش آنها شوند. در بخشهای گوناگون سرزمین ایران سدهای تاریخی بیشماری با نگرش به اقلیم هر سامان ساخته شده که نشان از ارزش آب و استفاده بهینه از آن است.

یکی از مناطقی که در آن ساختارهای تاریخی زیادی در پیوند با بهره برداری کارآمد از منابع آب وجود دارد، دشت پاسارگاد است. به دلیل اینکه پاسارگاد در دوران هخامنشی یکی از مهمترین مراکز حکومتی به شمار می آید کارهای عمرانی و زیربنایی گوناگونی در گستره آن انجام شده است. بررسی ها و پژوهش هایی که در گستره دشت مرغاب و پاسارگاد و پهنه رود پلوار که از سوی پایگاه میراث جهانی پاسارگاد در حال انجام است، نشان از آن دارد که آثار هخامنشی منطقه تنها محدود به بناهای شناسایی شده در محوطه پاسارگاد نیست، چرا که یافته های جدید روشن کرده که در سرتاسر دشت مرغاب مجموعه ای از ساختارها و محوطه ها با ماهیت بهره برداری از منابع آب منطقه و انتقال آن به دشت های پایین دست در دشت پاسارگاد و دشت کمین (سعادت شهر) ساخته شده که بی گمان تأثیر شگرفی بر رشد و پیشرفت منطقه پاسارگاد داشته است. به بیان دیگر دشت مرغاب و پاسارگاد و محوطه شاهانه آن در دوران هخامنشی دارای یک نقشه و طرح جامع بوده است که بر پایه توانمندیها



مورد نظر ساخته شده که گسترده ترین آنها در بخش خاوری و باختری دشت پاسارگاد است. آب راه های بخش خاوری دشت پاسارگاد نزدیک به ۴۵ کیلومتر درازا دارد که از دشت علفی آغاز می شود و به سد هخامنشی سرپنیران می رسد. آب راه باختری پاسارگاد نیز با درازای نزدیک به ۲۵ کیلومتر از چشمه بناب مرغاب آغاز شده و تا انتهای باختری پهنه پاسارگاد می رسد. همچنین در دو سوی تنگ بلاغی نیز آب راه هایی وجود دارد که در برخی از بخش ها با برش صخره ها ساخته شده اند و آب را به دور دست ترین بخش تنگ بلاغی می رسانده اند.

کاربری این سدها کنترل سیلاب، تأمین آب مورد نیاز مناطق مسکونی، زمین های کشاورزی، باغ ها، پردیس کوروش و محوطه حکومتی پاسارگاد است.

سامانه های مدیریت منابع آب دشت مرغاب و پاسارگاد از مهمترین و گسترده ترین آثار برجای مانده از دوران هخامنشی است که برنامه جامعی جهت مستند نگاری، تهیه نقشه و حفاظت بهتر آنها از سوی پایگاه میراث جهانی پاسارگاد برای سال های آینده تدوین شده است.

## گنجینه



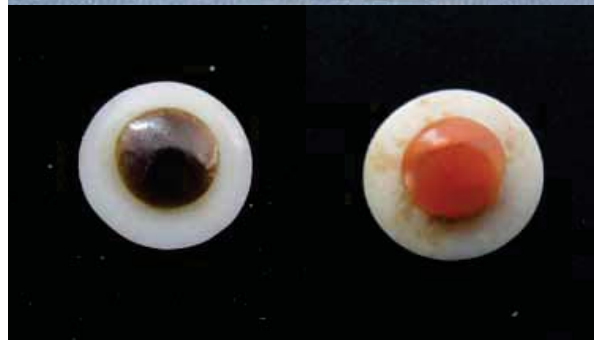
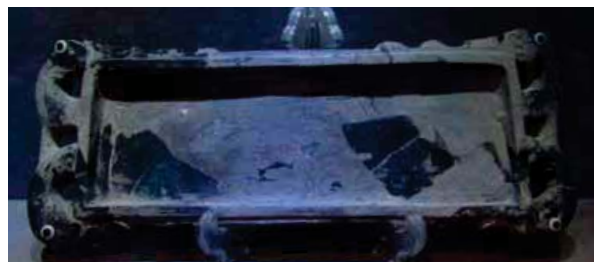
محمدرضا رفیعی؛ گنجینه دار موزه تخت جمشید

## گل میخ مفرغی و میخ سر طلا

دوره هخامنشی و محل کشف تخت جمشید این اشیا وابسته به تزئینات معماری و یا دیوارها در دوره هخامنشی هستند. این گل دوازده پر لوتوس است از جنس مفرغ که به شکل ترکیبی همراه با میخ سر طلا برای تزئین و اتصال به درب های چوبی به کار می رفته است.

## چشم های مصنوعی

این اشیا از جنس سنگ بوده و در تزئین مجسمه های سنگی به کار می رفته است. نمونه های یافت شده از این اشیا تزئینی در شکل ها و فرم های مختلف و در اندازه های از نیم سانتی متر قطر تا ۵ سانتیمتر موجود است. دوره این اشیا موزه ای، هخامنشی است و در تخت جمشید کشف گردیده است. نمونه ای از این چشم های مصنوعی را در نوعی بشقاب سنگی منسوب به "بشقاب سنگی با نقش اردک" در موزه تخت جمشید می توان مشاهده کرد.



## بست های آهنی

در هنر معماری هخامنشی برای روی هم گذاشتن سنگها ملاتی به کار برده نمی شده، در آن زمان را ههای مختلفی برای اتصال سنگ ها به هم (البته بدون ملات به کار رفته است). اما راهی که بیشتر مورد استفاده قرار می گرفت این بود که در دو سنگ مجاور دو گودی همانند و مرتبط می کردند و آنها را با میله آهنی به هم بسته و روی آن سرب مذاب ریخته و صیقل می دادند، این بستها به صورت دم چلچله ای، استوانه، قلمی و سرتبری ساخته می شدند.



## گزارش

## - خصوصیات ظاهری سفال:

رنگ سفال طیفی از قرمز با پخت کافی و بافت فشرده و خشن و پوشش آن لعاب گلی رقیق است.

## - دوره مرمتی اولیه:

پس از عملیات مستندنگاری، پاک سازی و خشک کردن، نوبت به مرحله وصالی و اتصال قطعات به هم است. به علت بزرگ بودن خمره مذکور، بهترین شیوه برای اتصال قطعات به هم، تقسیم کردن خمره به سه بخش کلی و در نهایت اتصال از پایین به بالا بود. برای جلوگیری از لرزش، هنگام اتصال قطعات به هم، آنها در شن قرار داده شده و در حد امکان با ریسمان محکم بسته شدند.

## - تثبیت:

پس از اتمام عملیات وصالی به منظور استحکام بخشیدن، سطح سفال با پارالوئید ۴ درصد تثبیت شد.

## - استحکام بخشی خمره سفالین هخامنشی تنگ بلاغی دوره دوم

خمره مذکور هخامنشی با توجه به آسیبهای وارده به آن در سال ۱۳۸۴ هم‌انطور که در ابتدای گزارش نیز آمده بود، توسط یکی از کارشناس مرمت بخش دفتر فنی "رضا شیخ‌الاسلامی" تمامی موارد آسیب‌نگاری، پاره‌یابی قطعات و استحکام بخشی آنها را انجام پذیرفت و پس از آن سالها در بانک سفال پایگاه پارسیه نگهداری گردید. در بازنگری از آسیب‌های احتمالی خمره مذکور، بنا به درخواست و پیگیری کارشناس بانک سفال، این شیء مرمت شده بار دیگر در سال ۹۵ به بخش حفاظت و مرمت ارجاع داده شد تا اقدامات ضروری و یا پیشگیرانه مرمتی انجام پذیرد. استحکام بخشی مجدد این خمره به دلیل نیمه تمام رها شدن کار مرمتی در سالهای پیشین و نفوذ گردو خاک به درون درزهای باز بین قطعات شکسته خمره و لانه کردن حشرات در دستور کار گروه قرار گرفت که با تهیه مواد و مصالح مورد نیاز و نیروی انسانی؛ استادکار "کهزاد حبیبی" و کارشناس ارشد حفاظت و مرمت "مریم راهساز" صورت پذیرفت. به دلیل وصالی قطعات به یکدیگر و باز بودن درزهای بین قطعات در ابتدا خمره را در محل مناسبی قرار داده و اقدام به شستشوی خمره و درزهای بین آنها نموده سپس با گچ دندان پزشکی و پودر سفال شروع به بندکشی کل سطح خمره کرده و پردازش‌های نهایی صورت پذیرفت و خمره به مکان اولیه خود برگردانده شده است.

گزارش از: مریم راهساز؛ کارشناس ارشد حفاظت و مرمت تخت جمشید



بندکشی درزهای و استحکام بخشی بین قطعات



وضعیت اولیه و آسیبهای اثر

مرمت خمره سفالین هخامنشی  
مکشوفه از تنگ بلاغی

دره بلاغی در شهرستان خرم بید واقع در شمال استان فارس می‌باشد این دره در جنوب غرب محوطه باستانی پاسارگاد واقع است. سفال‌های کاوش و گزارش شده به سه دسته دوره انتهایی بیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی تقسیم می‌شود که پیش از تاریخ معروف به سفالهای باکون می‌باشد و سفال‌های تاریخی مربوط به ساسانی و اواخر هخامنشی است. یکی از سفالهایی که در منطقه پاسارگاد و تنگ بلاغی کشف شد و منتسب به دوره هخامنشی بود، پس از دو دوره مرمت، قابلیت یک شیء موزه ای را پیدا کرد.

با توجه به نظر یکی از کارشناسان باستانشناس این سفال به صورت دست‌ساز و به روش فتیله‌ای ساخته شده و از جمله کاربردهایی که به نظر می‌رسد این خمره سفالین داشته باشد، ظرف ذخیره برای محصولات غذایی از جمله جو و گندم و نظیر آن است.



اقدامات مرمتی تکمیلی شامل استحکام بخشی قطعات در سال ۹۵



وضعیت نهایی خمره بعد از اقدامات مرمتی در سال ۸۴



وضعیت اولیه خمره در حین حفاری و انتقال آن به پایگاه پارسیه

مرمت بر روی آثار هنری که در فضای باز قرار دارند. دوره آموزشی روش و اجرای سیستم اطلاعات جغرافیایی و نقشه بحران جهت حفاظت از میراث فرهنگی، (۱۶-۲۷ ژانویه ۲۰۱۷) با سرفصل‌های آموزشی شامل: جنبه‌های متدولوژیک نقشه خطرپذیری، شناخت و طبقه بندی خطرات ارضی، مفهوم آسیب پذیری و جدول نقشه خطرپذیری.

## دوره اول: تأثیرات آلودگی محیطی بر روی آثار هنری ای که در فضای باز قرار دارند

مدت این دوره از ۹ تا ۱۳ ژانویه ۲۰۱۷ به مدت یک هفته و ناظر علمی این دوره "خانم دکتر آناماریا جاونولی" و مترجم "خانم گلنار شاهسوار حقیقی" بود. در این دوره به معرفی آلودگی‌های اولیه و ثانویه، اثرات آنها بر روی سطوح و اثرات متقابل آلودگی مواد بر روی هم، استراتژی‌هایی برای ارزیابی صدمات آلودگی بر روی سطوح آثار فرهنگی، اختلال عملکرد معماری، مشکلات انجام عملیات بر روی آثار هنری و مشکلات اجرایی عملیات بر روی بدنه آثاری که در فضای باز قرار دارند و دسته بندی صدمات پرداخته شد.

نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در این زمینه حاکی از آن است که در قرن اخیر، تخریب و صدمات آثاری که در فضای باز قرار دارند، نتیجه آلودگی هوا است. در این دوره اطلاعات تئوری لازم جهت مطالعه و تحقیق در مورد پدیده‌های مخرب و تأثیرات آلودگی هوا روی سطوح، داده شد. در ادامه مباحث "کنترل آلودگی" و تشخیص آن جهت کاهش خطر ضربه و صدمه به سطوح بررسی شد.

## دوره دوم: روش اجرای سیستم اطلاعات جغرافیایی "نقشه خطر پذیری" جهت حفاظت از میراث فرهنگی

مدت دوره سیستم اطلاعات جغرافیایی "نقشه خطر پذیری" از ۱۶ تا ۲۷ ژانویه ۲۰۱۷ به مدت ۲ هفته بود. ناظر علمی این دوره "آقای دکتر کارلو ککچه" و مترجم "خانم گلنار شاهسوار حقیقی" بود. کلاس‌های تئوری روی مبحث ریسک به عنوان معیاری برای شناسایی خطر ارضی، تابعی که مقدار خشونت بالقوه محیطی و ارضی را بدون در نظر گرفتن حضور یا عدم حضور آثار تاریخی و میزان آسیب پذیری شان به ما نشان می‌دهد، متمرکز بود. در این دوره ارائه سطح ریسک از طریق استفاده از تکنولوژی سیستم اطلاعات جغرافیایی که در حال حاضر مناسب ترین روش است، آموزش داده شد. این روش امکان مشاهده و آنالیز پدیده‌ها را روی نقشه فراهم می‌کند و به صورت دقیق تر اجازه تولید با قابلیت به روز شدن از ریسک برای آثار فرهنگی را فراهم می‌کند.

گزارش از: فرزانه گرامی؛ کارشناس ارشد پاسارگاد



## دوره آموزشی در ایتالیا

موضوع آموزش از جمله موارد تفاهم نامه همکاری هیات مشترک ایران - ایتالیا در حفاظت از محوطه میراث جهانی پاسارگاد بود که انجام آن در زمستان ۹۵ محقق گردید و طی آن تعدادی از کارشناسان پایگاه پاسارگاد و تخت جمشید (حمید فدایی، مسعود رضایی منفرد، محمد نصیری حقیقت، علی تقوی، حمید رضا کریمی، سید محمد حسینی گورجی، فرزانه گرامی، مریم راهساز) امکان آن را یافتند تا در این آموزش‌ها شرکت کنند.

## دوره های آموزشی برگزار شده در موسسه عالی حفاظت و مرمت رم - ایتالیا شامل دو دوره با سرفصل‌های ذیل بود:

- دوره آموزشی تأثیرات آلودگی محیطی بر روی آثار هنری در فضای باز (۱۳-۹ ژانویه ۲۰۱۷) با سرفصل‌های آموزشی شامل: آلودگی‌های اولیه و ثانویه، اثرات آن بر روی سطوح، تأثیرات متقابل آلودگی - مواد بر روی هم و مشکلات انجام عملیات

## صفحه آخر



▲ تصویری زیبا از بارش برف بر صفا تخت جمشید. عکس از سعید شریفی ۱۳۹۳.

## سر تندیس از سنگ لاجورد

در خزان سال ۱۳۲۶ به هنگام خاکبرداری تالار ۳۲ ستونی (تالار شرقی صدستون) در ارتفاع نیم متری از کف اتاق، شماری از سنگ لاجورد، زیبا و سالم میان خاک ها پدیدار گردید. پیدایش این سر تندیس کوچک از یافته های شگفت انگیز و مهم حفاری های تخت جمشید به شمار می رفت.

به گفته ی سامی، این سر یکی از شاهزادگان بوده است. این تندیس از سنگ لاجورد دارای تاج کنگره داری است که بر روی موهای حلقه شده گذارده شده است. تندیس نامبرده در سال ۱۳۲۷، که نمایشگاه آثار دوران هخامنشی در موزه های در پاریس تشکیل یافت، به نمایش گذاشته شد و مورد توجه فراوان قرار گرفت. سر تندیس از سنگ لاجورد پس از کشف و بازسازی در موزه ی ایران باستان نگهداری می شود.

اعظم روستایی؛ کارشناس روابط عمومی و دبیر تحریریه نشریه پارسه پاسارگاد

PARSA PASARGADAE

پارسه پاسارگاد

فصلنامه پایگاه میراث جهانی پارسه پاسارگاد/سال اول - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۵  
Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

فصلنامه داخلی پایگاه میراث جهانی پارسه پاسارگاد

سردبیر: مسعود رضایی منفرد

دبیر تحریریه: اعظم روستایی

شورای سیاست گذاری: دکتر حمید فدایی- مهندس مسعود رضایی منفرد

هیأت تحریریه: کارشناسان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

طراحی لوگو، یونیفرم و صفحه آرایی: افشین آریافر/کانون تبلیغات کوب: ۰۹۱۷۷۰۱۱۲۶۵

چاپ و آماده سازی: ارزنگ تلفن: ۰۹۳۷۰۸۲۲۳۴۶

نشانی: فارس- مرودشت- مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

دفتر شماره ۲: فارس-پاسارگاد-مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

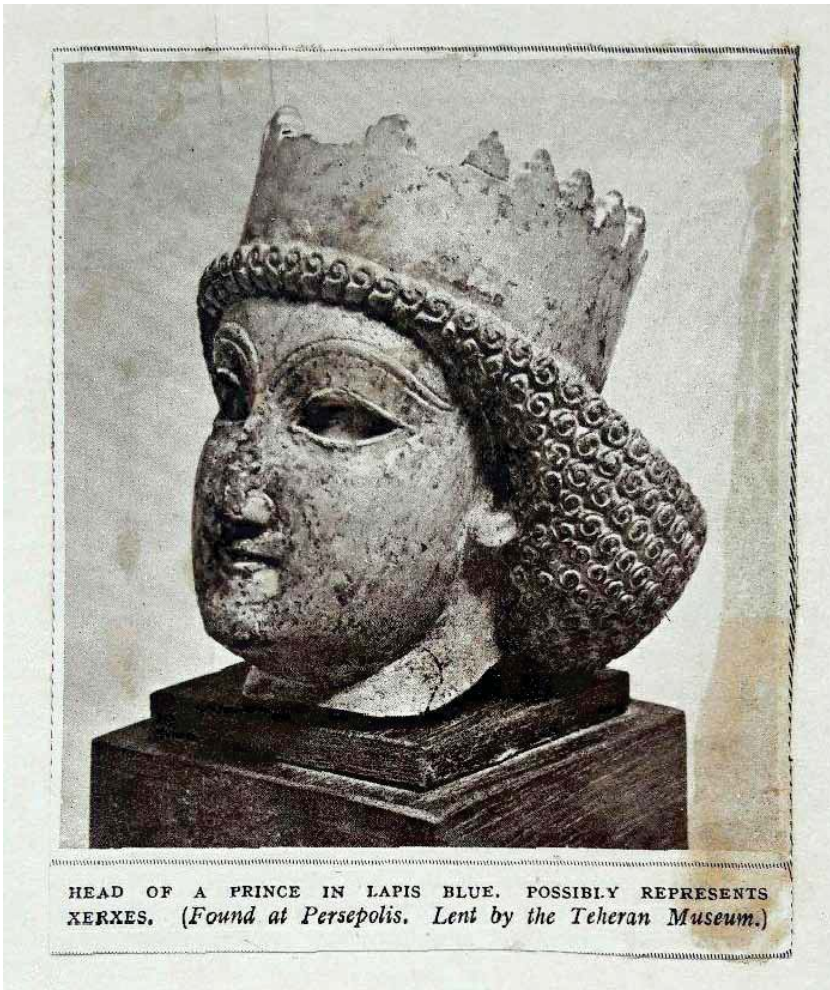
تلفن: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۵۶ داخلی ۲۱۳

دورنگار: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۷۳

تلگرام @persepolis\_world\_heritage\_site / @pasargadaeworldheritagesite

www.parse-pasargad.ir آدرس سایت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید:

Info@persepolis.ir ایمیل:



تمبر یادگاری  
از سر تندیس  
سنگ لاجورد ۱۳۴۳